

بحران استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپای شرقی: اهداف و پیامدها

سیدحسین میرفخرایی for501520@yahoo.com

عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

روابط ایالات متحده و روسیه طی ماههای اخیر به پائین ترین سطح خود پس از پایان جنگ سرد نزول کرده است. این دو کشور که با فروپاشی شوروی اختلافات خود را کنار گذاشته بودند با طرح استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپا یک بار دیگر مجادلات لفظی را از سر گرفتند. هم اکنون نگرانی‌های بسیاری در میان ملت‌های دو کشور و سایر کشورهای جهان در خصوص آغاز جنگ سردی جدید پدید آمده است. این پژوهش قصد دارد تا با پیشینه این اختلافات، منشاء بحران جاری و اهداف آمریکا از استقرار سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی و به پیامدهای آن برای ایران و جهان را بررسی کند.

واژگان کلیدی: جنگ سرد، سپر دفاع موشکی، نظام بین الملل، امنیت، آمریکا، روسیه.

مقدمه

در عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل اینگونه گفته می‌شود که هیچ پیمان و اتحادی همیشگی نیست. دوستی‌ها همواره تابعی از منافع ملی هستند و حتی نزدیک‌ترین دوستان ممکن است زمانی در آینده به دشمن یکدیگر تبدیل شوند. تنها منافع ملی است که می‌تواند مشخص سازد حد دوستی و روابط تا کجا تداوم یابد. خود منافع ملی نیز به واسطه آنکه خصالتی سیال و پویا دارد، همواره تحت تأثیر متغیرهایی همچون نظام بین‌الملل و شرایط داخلی قرار دارد. روابط ایالات متحده و روسیه نیز از این اصل مستثنی نیست. این دو کشور که پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد تضاد موجود بین خود را کنار گذاشته به همکاری در موضوعات مختلف با یکدیگر روی آوردند، اینک به واسطه طرح استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپای شرقی، بار دیگر در آستانه تضاد و دشمنی قرار گرفته‌اند. به رغم آنکه مقامات ایالات متحده می‌کوشند تا اعتماد روسیه را نسبت به خود جلب کنند و آن را متقاعد سازند که این اقدام آمریکا تهدیدی علیه این کشور نیست، اما روسیه همچنان بدبینانه به طرح آمریکا می‌نگرد. این پژوهش قصد دارد تا با کمک گرفتن از رویکرد نظری رئالیسم نئوکلاسیک به ریشه این اختلاف پرداخته، اهداف و واکنش‌های هر دو بازیگر نسبت به هم و پیامدهای آن برای ایران و جهان را بررسی کند.

رویکرد نظری

مهم‌ترین کارکرد نظریه‌های روابط بین‌الملل تبیین و توضیح رویدادهای جهانی و پیش‌بینی آینده آن است. تئوری‌های مختلف همواره در حال منطبق کردن خود با شرایط، حذف یا افزودن فرض‌های کمکی جدید برای تبیین حوادث جهان می‌باشند. در این میان گاه ممکن است رویدادی همزمان بر اساس چندین نظریه قابل تبیین باشد. در خصوص مخالفت روسیه با طرح استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در دو کشور لهستان و جمهوری چک نیز به نظر اینگونه می‌رسد. در تحلیل این رویداد می‌توان از تئوری سازه‌انگاری، موازنه قدرت، واقع‌گرایی و نظریه نظام جهانی کمک گرفت؛ اما در این پژوهش از رویکرد رئالیسم نئوکلاسیک که مشتمل بر رئالیسم تهاجمی و تدافعی است استفاده می‌شود. دلیل

این انتخاب نه تنها قابلیت برتر این نظریه نسبت به سایر نظریه‌ها در تبیین بهتر پدیده پیش گفته بلکه در توانایی آن برای پرهیز از جزم‌گرایی موجود در سایر نظریه‌ها نسبت به تقلیل علل رویدادها به ساختارهای صرفاً مادی یا ذهنی است. بر این اساس رفتار روسیه بر پایه رئالیسم تدافعی و اقدام آمریکا بر مبنای رئالیسم تهاجمی توضیح داده می‌شود.

رئالیسم تدافعی. معتقدان به نظریه رئالیسم تدافعی بر این باورند که ممکن است واقعاً کشورها از توسعه تجهیزات نظامی اهداف توسعه‌طلبانه نداشته باشند، بلکه صرفاً جهت بالا بردن ضریب امنیتی خود در فضای آنارشیک نظام بین‌الملل به این اقدام دست زده باشند. یعنی بر خلاف آنچه که برخی از افراد و دولت‌ها تصور می‌کنند، دولت‌ها همواره به دنبال رویکرد تهاجمی نیستند. اما مشکلی که وجود دارد این است که این رفتار دولت‌ها همواره از سوی رقبای آنها به عنوان تلاشی برای برهم زدن نظم موجود تلقی می‌شود، بنابراین سعی می‌کنند به اقدامات متقابل در این خصوص دست زنند که نتیجه این امر چیزی جز تطویل چرخه معمای امنیتی نیست (مشیرزاده، ۱۳۸۴، صص ۱۳۴-۱۳۳).

در حقیقت مشکلی که در اینجا وجود دارد سوء تفاهم و سوء برداشت دولت‌ها از اقدامات یکدیگر است که آنها را درگیر مسابقه تسلیحاتی یا نزاع و درگیری می‌سازد و نه واقعیت‌های موجود. لردگری این بی‌قطعیتی و سوء تفاهم را اینگونه توضیح می‌دهد: «در ذهن کسانی که مسئول تجهیز نیروهای نظامی هستند تفاوتی که بین آماده‌سازی (نیروها) به منظور اعزام آنان به جنگ با آماده‌سازی (آنها) برای رویارویی با یک حمله نظامی احتمالی وجود دارد، تفاوتی است واقعی، آشکار و قطعی؛ اما برای دیگران این تفاوت چندان هم آشکار و قطعی نیست. پس هر دولتی، ضمن رد هر گونه تدبیر (نظامی) اندیشیده شده به وسیله خود را برای مقاصد غیر دفاعی به عمل آمده است، اتخاذ سیاست‌های کاملاً مشابه را از سوی دولتی دیگر آماده‌سازی نیروها جهت حمله ارزیابی می‌کند» (بلیس، اسمیت، ۱۳۸۳، ص ۵۷۹).

طبق این دیدگاه اقدام آمریکا در استقرار سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی تنها به منظور مبارزه با خطر ناشی از حملات «کشورهای سرکش» علیه ایالات متحده و متحدان اروپایی‌اش می‌باشد، نه گامی در جهت یک جانبه‌گرایی و تلاش برای تثبیت هژمونی خود؛

اما از آنجا که نوع تلقی روسیه از آمریکا بر مبنای تصورات مربوط به دوران جنگ سرد است این تلاش‌ها گامی به منظور بر هم زدن موازنه قدرت نظامی به ضرر بازدارندگی هسته‌ای و سلاح‌های استراتژیک روسیه تلقی می‌شود و در نتیجه واکنش شدید آن را به همراه می‌آورد.

منشاء این بدبینی در بی‌اطمینانی و ترس نهفته است؛ یعنی کشورها همواره این احتمال را می‌دهند که ممکن است نیت خیرخواهانه طرف مقابل در میانه راه تغییر پیدا کند و پیامدهای فاجعه‌باری برایش به همراه آورد. مثلاً همانگونه که توضیح خواهیم داد، روسیه هیچ اطمینانی ندارد که طرح سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپای شرقی در آینده توسعه و گسترش بیشتری پیدا نکند. از این رو برای پیشگیری از تراژدی وحشتناک آینده به مخالفت با آن برمی‌خیزد و طرح‌هایی برای تولید موشک‌هایی را شروع می‌کند که بتوانند از این سیستم عبور کنند.

رنالیسم تهاجمی. در مقابل دیدگاه رنالیسم تدافعی که واکنش روسیه نسبت به آمریکا را تبیین می‌کند، نوع رفتار آمریکا و علت استقرار سیستم ضد موشکی در اروپای شرقی را می‌توان بر اساس رنالیسم تهاجمی توضیح داد. بر اساس نظریه رنالیسم تهاجمی قدرت‌های بزرگ همواره درگیر نزاعی بی‌پایان برای کسب قدرت هستند و وجود شرایط آنارشی در نظام بین‌الملل این تلاش‌ها را تشدید می‌کند. در این فضا چون این کشورها هیچ تضمینی برای حفظ امنیت خود ندارند، لذا خودیاری را بهترین وسیله برای تأمین امنیت خود تلقی می‌کنند. این نزاع قدرت ممکن است گاهی اوقات به دلایلی فروکش کند، اما هیچگاه پایان نمی‌یابد. البته چنین امری بیشتر به آن سبب است که هدف هر قدرت بزرگ در درجه اول بقاست و قدرت بیشتر دولتی به معنای شانس بیشتر آن برای بقاء در این جهان آنارشیک است.

به نظر مرشایمر تنها شرایطی که قدرتی بزرگ را از کسب نیروی بیشتر باز می‌دارد، زمانی است که به هژمونی جهانی رسیده باشد. چنین شرایطی هرگز در تاریخ جهان اتفاق نیفتاده است. او استدلال می‌کند: قدرت‌های بزرگی که برای هژمونی منطقه‌ای و جهانی

تلاش می‌کنند ناخواسته دیگر قدرت‌های بزرگ یا ضعیف‌تر را تحریک می‌کنند تا ائتلافی را برای مقابله با هژمون بالقوه‌شان شکل دهند. (J.Mearsheimer, 2001)

ایالات متحده پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی تلاش بسیاری برای در پیش گرفتن این مسیر انجام داد. فروپاشی شوروی باعث گردید تا با خروج رقیب اصلی ایالات متحده از صحنه رقابت جهانی، تعادل ژئوپلیتیکی جهان به هم بخورد و فرصتی برای آن فراهم آورد تا در نبود رقیب، نظم نوین مورد علاقه خود در جهان را شکل دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۵۳) نظم نوین جهانی مورد اشاره بوش دنیایی بود که در آن ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانانش صادرکننده دستور در جهان تلقی می‌شدند و هر گونه تغییر ژئوپلیتیکی که با منافع آنها انطباق نداشت غیرقانونی و غیرقابل تحمل توصیف می‌شد (حافظ نیا، پیشین، ص ۵۳). مقامات کاخ سفید در این زمینه تا جایی پیش رفتند که حتی دفاع از آزادی را مسئولیت انحصاری خود خواندند. بوش در سخنرانی سال ۱۹۹۱ خود اعلام نمود که «امید بشریت به ما معطوف شده است، ما آمریکایی بوده و مسئولیت منحصر به فرد تأمین آزادی به عهده ما می‌باشد» (اتوتایل و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۲۵۳). اما این رؤیا زیاد به طول نیانجامید و کابوس تلخ ۱۱ سپتامبر همه چیز را به کام آمریکا تلخ کرد. این حمله، اسطوره شکست ناپذیری ایالات متحده را درهم شکست و بار دیگر آنها را متوجه خطرات موجود در محیط نظام بین‌الملل علیه خود ساخت. لذا تلاش برای افزایش قدرت آمریکا و رفع خطرات احتمالی در صدر برنامه‌های کاخ سفید قرار گرفت. جورج بوش در نطقی پس از حملات ۱۱ سپتامبر رسماً اعلام کرد که «سیاست ما تسلط بر جهان از طریق برتری نظامی مطلق و به مبارزه برخاستن با هر دشمن بالقوه از طریق جنگ پیشگیرانه خواهد بود» (جانسون، ۱۳۸۴، ص ۴۱۶).

حمله به افغانستان و عراق که با توجیه تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی صورت گرفت بر اساس چنین دکترینی بود. این حملات به خصوص حمله به افغانستان نه تنها منجر به بازگرداندن اعتماد عمومی به شهروندان آمریکا و ترمیم حیثیت بین‌المللی از دست رفته ایالات متحده گردید، بلکه نفوذ امنیتی آمریکا را نیز در منطقه خاورمیانه گسترش بخشید (دهشیار، ۱۳۸۱، ص ۷۳۱).

مقامات آمریکا از بین رفتن رژیم طالبان و بعث عراق را پایان تهدیدات علیه خود و متحدانشان نمی‌دانند. آنها بر این اعتقادند که دولت‌های سرکش دیگری در جهان وجود دارند که رویای ضربه زدن به آمریکا و متحدانش را با استفاده از حملات موشکی در سر می‌پرورانند، بنابراین ایالات متحده وظیفه دارد نسبت به حفاظت از خود و متحدانش در برابر این خطرات از طرح سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی استفاده کند؛ این اقدام آمریکا همانگونه که توضیح خواهیم داد از سوی روسیه به عنوان گامی برای تثبیت هژمونی این کشور تلقی می‌شود که هدف واقعی‌اش از بین بردن قدرت بازدارندگی روسیه است. در واقع همانگونه که رئالیسم تهاجمی توضیح می‌دهد، اقدام آمریکا در استقرار سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی که بر اساس حداکثرسازی تأثیر در نظام جهانی و این احساس که قدرت و توان انجام آن را دارد، صورت گرفته ناخواسته قدرت‌های دیگری چون روسیه را تحریک کرده است. (Costa, 1998)

پیشینه خصومت آمریکا و روسیه. اقدامات اخیر آمریکا در اروپای شرقی بیش از هر چیز برای روس‌ها یادآور تحولات دهه ۱۹۸۰ است. در دهه ۱۹۸۰ ایالات متحده الگوی تعارض خود را با شوروی در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی پیگیری می‌کرد. آمریکا در سطح منطقه‌ای تلاش برای کاهش نفوذ شوروی را در خاورمیانه، تضعیف رژیم‌های طرفدار کمونیسم، حمایت از مجاهدین افغان و کمک و حمایت از اسرائیل در اشغال لبنان در کنار تضعیف نظام سیاسی ایران در دستور کار خود داشت و در بعد بین‌المللی نیز با اشغال گرانادا، پاناما، آنگولا، تلاش برای سرنگونی حکومت کوبا و نیکاراگوئه و از همه مهم‌تر، استراتژی خنثی‌سازی به مقابله با اتحاد جماهیر شوروی برخاسته بود. اساس استراتژی خنثی‌سازی ایالات متحده در این مقطع مقابله با برتری استراتژیک روسیه و افزایش ضریب بازدارندگی آمریکا بود. (متقی، ۱۳۷۶، ص ۸۰)

در این سال‌ها، ایالات متحده به رغم آنکه طبق پیمان سالت ۲ (ژوئن ۱۹۷۹) با روس‌ها توافق کرده بود تا موشک‌های استراتژیک خود را جمعاً به ۲۲۵۰ فروند - ۱۳۰۰ فروند موشک چند کلاهک و ۸۲۰ فروند موشک زمین به زمین - کاهش دهد، برنامه جدیدی برای ساخت موشک‌های بسیار مدرن MX در دستور کار خود قرار داد. این امر واکنش

شوروی را برای توسعه هواپیماهای Back fire و موشک‌های اس اس ۲۰ و در ادامه استقرار آنها در خاک اروپا به همراه آورد. بدین ترتیب جنگ سرد جدیدی بین ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی آغاز شد و آمریکایی‌ها در نشست زمستان ۱۹۷۹ ناتو، مسأله استقرار موشک‌های پرشینگ ۲ و کروزر را در اروپا مطرح و به تصویب رساندند. هدف از این کار هدف‌گیری تأسیسات نظامی اتحاد جماهیر شوروی بود. این موشک‌ها می‌توانستند نه تنها اروپای شرقی، بلکه اقصی نقاط شوروی را هدف قرار دهند. در حالیکه شوروی نمی‌توانست با موشک‌های اس اس ۲۰ که ۵۰۰۰ کیلومتر برد داشتند آمریکا را هدف قرار دهد (نقیب‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۲۷۹).

این اقدام آمریکا موجی از مخالفت‌ها را با استقرار این موشک‌ها در اروپا به همراه آورد؛ اما این مخالفت‌ها تأثیری بر اراده آمریکا جهت تحقق خواسته خود نگذاشت و سرانجام موشک‌ها در نوامبر ۱۹۸۳ ابتدا در آلمان و سپس در بلژیک و هلند مستقر شدند. با این همه، مسأله با استقرار موشک در اروپا ختم نشد. هنوز جهان از سر و صدای «موشک‌های اروپایی» فارغ نشده بود که در ۲۳ مارس ۱۹۸۳ ریگان خطاب به دانشمندان آمریکا پیشنهاد کرد برای مقابله با موشک‌های شوروی که به جانب آنها نشانه‌گیری شده بود مطالعات وسیعی آغاز کنند. وی خطاب به دانشمندان آمریکایی گفت: «جامعه دانشمندان به ما سلاح اتمی اعطا کرد و حالا وقت آن رسیده که توان خود را در خدمت بشریت و صلح گرفته و راه‌هایی را نشان دهد که این سلاح‌ها را از کار بیندازد» (نقیب‌زاده، پیشین).

بر این اساس گروه عظیمی از دانشمندان و متخصصان ابزارهای جنگی با انرژی جنبشی، سلاح‌های الکترومغناطیسی، پرتوهای ذرات خنثی و لیزرها در جهادی علمی برای جلوگیری از جنگ هسته‌ای سازماندهی و بسیج شدند و طرح «ابتکار دفاع استراتژیک» از سوی «فرماندهی فضایی نیروهای هوایی» آمریکا در این زمینه ارائه شد. (ثقفی عامری، ۱۳۶۵) این طرح، رژیم دفاعی پنج لایه و برنامه‌ای بلندپروازانه که شامل انرژی هدایت شده علیه موشک‌ها، سلاح‌های مستقر در فضا برای متوقف ساختن موشک‌ها در مرحله صعود، لیزرهای هوابرد، سلاح‌های هوشمند علیه کلاهک‌های موشکی در نیمه راه و سلاح‌های نابود کننده جنبشی زمین پایه برای متوقف ساختن موشک‌ها در مرحله نهایی

می‌شد. ریگان برای پیشبرد سریع طرح، تحقیقات مفصل در این مورد را با ۲۶ میلیون دلار اعتبار اولیه به «سازمان دفاع استراتژیک» سپرد و بدین ترتیب ماشه مسابقه تسلیحاتی در جهان چکانده شد (Loring, 2004, 9-30). این طرح که در جهان با عنوان «جنگ ستارگان» شناخته شد، موازنه قدرت در جهان را به کلی به هم زد و ایالات متحده را که تا سال ۱۹۸۰ از نظر توان نظامی ضعیف‌تر از شوروی بود بر رقیب خود برتری داد.

اگر چه همان زمان نیز چون اکنون، ایالات متحده اقدام خود را گامی برای جلوگیری از جنگ هسته‌ای و دفاع از خود و متحدانش اعلام می‌کرد؛ اما شواهد حاکی از آن بود که ایالات متحده به دنبال برتری مجدد استراتژیک بر روسیه و پایان دادن به بازدارندگی به صورت یک جانبه بود. بخشی از نگرانی‌های کنونی روسیه دقیقاً از همین تجربه تاریخی ناشی می‌شود. در نهایت آنچه که به بحران در روابط ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی پایان داد، وقوع تحولات داخلی در شوروی و به قدرت رسیدن گورباچف بود. گورباچف در راستای تز «امنیت متقابل» خود از سال ۱۹۸۶ گفتگوهایی را با ریگان جهت کاهش سلاح‌های اتمی استراتژیک و برچیدن موشک‌های دو طرف از خاک اروپا آغاز کرد. این گفتگوها که با استقبال کشورهای اروپایی و آمریکا مواجه منجر به تقویت مذاکرات مربوط به «کاهش سلاح‌های استراتژیک و پیمان استارت شد»^۱.

اگرچه فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد باعث گردید تا ایالات متحده طرح ابتکار دفاع استراتژیک را در سال ۱۹۹۳ کنار گذارد. اما این توقف فعالیت‌ها چندان به طول نینجامید و ۵ سال بعد دولت بیل کلینتون زیر فشار پیگیر جمهوری خواهان که رهبری آن را دونالد رامسفلد، رییس کمیسیون ۹ نفره کنگره آمریکا در مورد تهدیدات موشکی، بر

۱. یکی از دلایل آمریکا برای تن دادن به پیمان‌های استارت برنامه‌های جدید این کشور به منظور کاستن از تعهدات بین‌المللی و کاهش حضور نظامی خود در مناطق مختلف و درگیر شدن در مسابقه تسلیحاتی بود که منجر به آن گردیده بود به لحاظ اقتصادی دچار افت گردد. فشار ایالات متحده بر متحدین اروپایی خود جهت پذیرفتن سهم بیشتری در مخارج نظامی ناتو و مشارکت در سرمایه‌گذاری برای تحقیقات فضایی و ابتکار دفاع استراتژیک جهت کاستن مخارج نظامی خود در همین راستا قابل فهم است.

(ر.ک: پل کندی ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ، ترجمه محمود ریاضی، تهران، خجسته، ۱۳۶۹)

عاهده گرفته بود، مجبور شد آن را از سر بگیرد.^۱ روی کار آمدن جمهوری خواهان در ایالات متحده در سال ۲۰۰۰ نیز - که علاقه وافری به مباحث نظامی دارند - به همراه حادثه ۱۱ سپتامبر باعث گردید تا این تلاش‌ها سرعت بیشتری بگیرند. همچنین تغییر و تحولات نظام جهانی و بروز خطراتی علیه ایالات متحده، مقامات کاخ سفید را بر آن داشت تا شدیداً پیگیر ساختار پیشرفته‌ترین ارتش دنیا شوند. به همین منظور پنتاگون طرح‌هایی همچون انقلاب در فن‌آوری نظامی (MTR) و انقلاب در امور نظامی (RMA) - که طرح سپر دفاعی موشکی در بطن آن جای داشت - را جهت مبارزه با تهدیدات نوظهور و مأموریت‌های قرن بیست و یکمی آمریکا در فضای مجازی در اولویت کارهای خود قرار داد.^۲

منشاء بحران جاری. «تاریخ پیوسته تکرار می‌شود». این عبارتی است که پیروان مکتب واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل به آن به عنوان یکی از پیش‌فرضهای اصلی خود می‌نگرند. طبق این اصل دولت‌ها ملزم به عبرت گرفتن از درس‌های تاریخ هستند و هر دولتی که تجربیات گذشته را نادیده بگیرد شکست‌های تلخ‌تری را در پیش خواهد داشت. ظاهراً روس‌ها به این نکته توجه کرده و در حال بکار بستن آن هستند. از بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، روسیه به دقت اقدامات آمریکا را در عرصه جهانی دنبال می‌کرد. اگر چه وضعیت پیش آمده برای روس‌ها چندان خوشنودکننده نبود، اما آنها در فضای شکل گرفته پس از ۱۱ سپتامبر چاره‌ای جز مماشات و در پیش گرفتن موضعی آرام نسبت به خروج آمریکا از پیمان منع توسعه موشک‌های ضد بالستیک نمی‌توانستند در پیش بگیرند؛ این سکوت نهایتاً

۱. «رامسفلد بازگشت ریگانیسم، روزنامه ایبران، (۱۳۸۱/۵/۱۵) (<http://www.iran-newspaper.com/1381/81/-05/-15/html>)

دونالد رامسفلد در گزارشی که در جولای ۱۹۹۸ منتشر کرد مدعی شد ارزیابی سال ۱۹۹۵ اداره اطلاعات ملی سیا در این مورد که هیچ کشوری در خارج از قدرت‌های هسته‌ای شناخته شده جهان قادر به ضربه زدن به ایالات متحده و کانادا پیش از ۲۰۱۱ نیست اشتباه می‌باشد و این سازمان خطر کشورهایی چون کره شمالی، ایران و عراق را کمتر از میزان واقعی‌اش ارزیابی کرده است.

2. Refer to: Binnendijk Hanse, Transforming America's Military, Washington D.C Defense University Press, 2002

در ژانویه ۲۰۰۷ شکسته شد و زمانی رخ داد که در ۲۰ ژانویه ۲۰۰۷ میرک توپولانک، نخست‌وزیر جمهوری چک، اعلام کرد آمریکا در صدد ایجاد پایگاه رادار در این جمهوری است. خبر کامل‌تر را در این مورد وزارت امور خارجه آمریکا منتشر کرد؛ این خبر حکایت از آن داشت که آمریکا قصد دارد به عنوان بخشی از سیستم دفاع موشکی تازه ۱۰ پایگاه بازدارنده موشکی در لهستان و یک ایستگاه رادار هدف‌گیر در جمهوری چک احداث کند. این خبر و مکمل آن درخواست وزارت امور خارجه آمریکا از لهستان و چک برای مذاکره در این زمینه، همچون شوک تکان‌دهنده‌ای برای روسیه بود.^۱ واقعیت این بود که مقامات ایالات متحده نزدیک دو سال در لهستان و جمهوری چک برای یافتن محل‌های مناسب جهت یک سیستم رادار که بتواند موشک‌های مهاجم را سرنگون کند کار کرده و اکنون که مکان نصب این سیستم‌ها در مرکز نظامی در ۷۰ کیلومتری پراگ و نزدیک مرز روسیه مشخص شده بود آن را علنی ساخته بودند. روس‌ها احساس می‌کردند که در این قضیه فریب خورده‌اند و به راحتی از سوی آمریکا نادیده گرفته شده‌اند.

با این حال آمریکا و لهستان ۲۴ اردیبهشت نخستین دور مذاکرات رسمی خود را در زمینه سیستم پیشنهادی آمریکا آغاز کردند. جان رود، معاون وزیر امور خارجه آمریکا در امور امنیت و خلع سلاح که به ورشو سفر کرده بود در زمینه چگونگی تأثیر مستقیم استقرار سیستم یاد شده بر امنیت لهستان با ویتولد وازچکوفسکی معاون وزیر خارجه لهستان وارد مذاکره شد.^۲ ماحصل این مذاکرات موافقت لهستان با طرح آمریکا بود. به دنبال موافقت «یاروسلاو کاژینسکی»، نخست‌وزیر لهستان با درخواست آمریکا، میرک توپولانک، نخست‌وزیر چک، نیز استقرار سیستم موشکی را گامی برای امنیت کشورش خواند و با آن موافقت کرد.^۳

۱. «هشدار روسیه درباره دفاع موشکی آمریکا»، (۸۵/۱۲/۲)

(http://www.bbc.co.uk/persian/iran_story/2007/01/22)

۲. «آمریکا و لهستان درباره سیستم دفاع موشکی مذاکره می‌کنند». خبرگزاری جمهوری اسلامی (۸۶/۳/۳) (<http://www1.irna.ir/fa/news/view/line-7/8603047240.html>)

۳. «استقرار موشک‌های آمریکا برای امنیت اروپا حیاتی است». خبرگزاری جمهوری اسلامی (۸۶/۳/۴) (<http://www1.irna.ir/fa/news/view/line-7/86030472402.html>)

اظهار نظرها و نزدیکی محل‌های تعیین شده از سوی آمریکا به مرزهای روسیه این نگرانی را برای مسئولین کاخ کرملین ایجاد کرد که ایالات متحده این سیستم‌ها را برای مقابله با سلاح‌های استراتژیک روسیه و بر هم زدن موازنه قدرت استراتژیک با روسیه مستقر کرده است. نظرات کارشناسان امور نظامی نیز این نگرانی‌ها را دو چندان کرد. ولادیمیر بلوس از جمله متخصصین سلاح‌های ضد موشک در روسیه بود که در این باره اظهارداشت: «شرایط جغرافیایی استقرار سپر دفاع موشکی، هیچ جای شکی باقی نمی‌گذارد که هدف اصلی، چین و روسیه است» (Harding, 2007).

برای روس‌ها که شاهد انقلاب‌های رنگین در منطقه تحت نفوذ سنتی خود و کشورهای اوکراین و گرجستان بودند، اینک مشاهده و استقرار موشک‌های آمریکا در دو کشور دیگر تحت نفوذ سابق این کشور در دوران جنگ سرد و نزدیکی بیش از پیش جمهوری‌های تحت اختیارش به آمریکا به هیچ وجه پذیرفتنی نبود. گسترش ناتو به شرق طی سال‌های گذشته و به عضویت درآمدن کشورهای چک، لهستان، آذربایجان، گرجستان، تاجیکستان، قزاقستان و ازبکستان در آن، شروع مذاکرات برای پیوستن آلبانی، کروواسی و مقدونیه به این سازمان نقش مهمی در ایجاد این بدبینی بازی کرد. در نتیجه احساس این که، استقرار سیستم دفاع موشکی مکمل طرح گسترش ناتو به شرق است، روس‌ها را به واکنش شدید علیه این تصمیم آمریکا واداشت و بحرانی جدید برای جامعه بین‌الملل رقم زد.

اهداف طرح سیستم دفاع ضد موشکی آمریکا از دید روس‌ها

در مورد اهداف آمریکا برای استقرار سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی اظهار نظرهای مختلفی در روسیه صورت گرفته است. آنچه را که می‌توان از مجموع گفته‌ها و اظهار نظرهای مقامات روسی به دست آورد در سه مورد خلاصه می‌گردد که عبارتند از:

۱- ایجاد مسابقه تسلیحاتی جدید

۲- تحلیل بردن قدرت بازدارندگی روسیه

۳- تثبیت هژمونی آمریکا

اگر چه می‌توان به لیست بالا موارد بیشتری را اضافه کرد، اما باید اشاره کرد که آنچه محور اظهارات مقامات کرملین را شکل می‌دهد تحلیل بردن قدرت بازدارندگی روسیه و تلاش آمریکا برای تبدیل شدن به قدرت انحصاری جهان می‌باشد.

۱. ایجاد مسابقه تسلیحاتی جدید. از پایان گرفتن آخرین مسابقه تسلیحاتی میان روسیه و ایالات متحده آمریکا نزدیک ۲۰ سال می‌گذرد. رقابتی که بسیاری از ناظران آن را مسبب اصلی فروپاشی شوروی دانستند. اگر چه گورباچف تلاش نمود تا با پرهیز از جنگ طلبی و انجام اصلاحات داخلی بار دیگر اقتصاد بیمار روسیه را که به دلیل درگیر شدن در مسابقه تسلیحاتی رو به افول نهاده بود، نجات دهد، اما داروی پیشنهادی وی که در نسخه طرح اصلاحات «گلاسنوست» و «پروستاریکا» پیچیده شده بود بسیار دیر به دست این بیمار محض رسید و در نتیجه ناکام ماند. حاکمان بعدی کاخ کرملین که این احتضار را به چشم خویش دیده بودند علی‌رغم آنکه شرایط بین‌المللی برای حضور مجدد آنها فراهم بود در طول دهه ۹۰ خود را از تمامی حوادث کنار کشیدند و تنها از بیرون نظاره‌گر وقایع بودند و بیشتر از خارج، توجه خود را به داخل معطوف ساختند. حتی پوتین که نسبت به سیاست خارجی یلتسین انتقاد داشت حاضر نشد در برابر حملات آمریکا به افغانستان و عراق _ متحدین سابق این کشور _ بایستد و تنها به مخالفت لفظی با حمله آمریکا به عراق اکتفا کرد. کلیه این سیاست‌ها، نه به دلیل ضعیف بودن این کشور جهت حضور در بحران‌های بین‌المللی، بلکه به دلیل دوراندیشی و جلوگیری از افتادن به مسیر دشمنی با آمریکا صورت گرفتند. با این همه به نظر می‌رسد شرایط اکنون برای روسیه اندکی دگرگون شده است، چرا که این بار خود روسیه در معرض تهدید قرار گرفته است. روس‌ها تصور می‌کنند که این طرح به منظور ایجاد مسابقه تسلیحاتی آغاز شده و جنگ سردی جدید است. این در حالی است که مقامات آمریکا صراحتاً پیدایش جنگ سرد جدید را در روابط بین آمریکا و روسیه رد می‌کنند و چنین برداشت‌هایی را «بی‌اساس» می‌دانند.^۱

به رغم این انکارها، کارشناسان روسی از آغاز جنگ سرد جدید خبر می‌دهند. گلب‌پاولوفسکی، -رئیس بنیاد سیاست‌های موثر روسیه- می‌گوید: «فشار نظامی آمریکا بر روسیه در حال افزایش است و این سیاست حساب شده‌ای از سوی واشنگتن است. آمریکا بزرگ‌ترین رادار دریایی خود را برای تقویت سیستم‌های دفاع ضد موشکی از جزایر

۱. «سفر رایس به مسکو موفقیت‌آمیز تر از سفر گیتس نخواهد بود، خبرگزاری فارس (۸۶/۲/۳۰)»
(<http://www.farsnews.ir/news/view.html>)

هاوایی در اقیانوس آرام به جزایر الوت در دریای برینگ در حوالی کامچاتکا منتقل کرده است و این موضوع بدون شک آغاز مسابقه‌ای تسلیحاتی است. «همچنین سرگئی مارکوف، کارشناس سیاسی روسیه، بر این نظر است که «آمریکا روسیه را به عنوان دشمن اصلی خود می‌بیند و آنها در نظر دارند روسیه را تضعیف کنند (موسوی، ۱۳۸۶، ص ۵۰، ش ۱۳) ریشه اینگونه تفکرات را در تحلیل‌های مبتنی بر رئالیسم تدافعی روس‌ها باید دانست که به واکنش و برقراری موازنه ملزمشان می‌سازد.

در این میان برخی دیدگاه‌ها به تأثیراتی اشاره می‌کنند که به راه افتادن مسابقه تسلیحاتی می‌تواند بر جای بگذارد و بر این باورند همانگونه که جنگ ستارگان ریگان توانست مسابقه تسلیحاتی میان این کشور و اتحاد جماهیر شوروی را بر سر هزینه‌های دفاعی شکل دهد و آن را از درون فروپاشد، طرح جدید آمریکا نیز همین هدف را دنبال می‌کند (جانسون، پیشین، ص ۴۹) و لذا می‌بایست از افتادن در این دام خودداری کرد.

سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه از جمله این شخصیت‌هاست که ضمناً تأکید می‌کند روسیه جلوی هر سیستم دفاعی آمریکا را خواهد گرفت و اظهار می‌دارد «ایالات متحده و روسیه باید از مسابقه تسلیحاتی پرهیز کنند»^۱.

اگر چه شخص پوتین نیز موافق این دیدگاه است و اذعان می‌دارد «آمریکا گامی در مسیر مسابقه تسلیحاتی آغاز کرده که بیهوده است»^۲، اما ناخواسته وارد جنگ تسلیحاتی شده است. آزمایش موشکی اخیر روسیه و تلاش برای تولید نسل جدیدی از موشک‌های فوق مدرن X51 که قادر به عبور از سیستم ضد موشکی هستند نمونه‌ای از این تلاش‌ها می‌توانند باشند.

۲. تحلیل بردن قدرت بازدارندگی روسیه. در حال حاضر احساسی مشترک در روسیه وجود دارد حاکی بر اینکه آمریکا بعد از فروپاشی شوروی از توافقنامه‌های خود برای کنار گذاشتن سیاست جنگ سرد سرپیچی کرده و به تعهدات خود در این زمینه عمل نکرده

1. "Moscow perplexes u.s over Missile Defense in Europe",
(<http://www.iht.com/articles/2007/02/21/news/view/policy.html>)

۲. «استقرار موشک‌های آمریکا برای امنیت اروپا حیاتی است»، پیشین.

است. روس‌ها معتقدند که تفکر جنگ سرد هنوز در میان رهبران کاخ سفید حاکم است و آنان می‌کوشند تا با استقرار این سامانه دفاعی جدید، قابلیت‌های بازدارنده موشکی روسیه را خدشه‌دار، تهدیدی راهبردی بر ضد روسیه شکل دهند.^۱

اما خانم رایس در نشست اسلو که با وزیران امور خارجه ناتو انجام شد این استدلال را رد کرد و گفت: «روسیه هزاران کلاهک اتمی دارد و منطقاً نباید استدلال کند که استقرار ۱۰ موشک ضدبالستیک آمریکا در لهستان و جمهوری چک و چند رادار در اروپای شرقی می‌تواند مانع از قدرت هسته‌ای روسیه شود».^۲

همانگونه که در نظریه رئالیسم تدافعی دیدیم، حس ناامنی و ترس و بی‌اعتمادی میان کشورها باعث می‌گردد تا نه تنها آنها اقدامات یکدیگر را تهدیدی علیه خود ارزیابی کنند، بلکه همواره درصدد انتقام و پاسخ نیز برآیند. سخنان ولادیمیر پوتین در مجمع فدراسیون روسیه درست بر همین مبنا بود. وی در آخرین گزارش سالانه‌ای که در این مجمع ایراد کرد ضمن اشاره به اهداف نظامی طرح آمریکا اظهار داشت که مسکو از این پس خود را ملزم به رعایت قرارداد بین دو پیمان نظامی ناتو و ورشو نمی‌تواند که در سال ۱۹۹۰ توسط کشورهای عضو در پاریس به امضاء رسید. او گفت: «در شرایطی که پیمان ورشو دیگر وجود خارجی ندارد، ناتو حتی در نزدیکی مرزهای روسیه پایگاه‌های نظامی و دفاعی ضد موشکی مستقر کرده است و این در حالی است که روسیه حتی برای جابه‌جایی نیروهای مسلح در داخل خاک خود نیز محدودیت دارد. به همین دلیل صلاح می‌دانم تا زمانی که همه کشورهای عضو ناتو قرارداد محدودیت تولید سلاح‌های متعارف را امضاء نکرده و به مانند روسیه دقیقاً آن را اجرا نکنند، فسخ آن را از سوی روسیه اعلام کنم».^۳ مشابه همین اظهارات را پوتین در ملاقات واسلاوکلاوس، رئیس جمهور چک، نیز تکرار کرد. او با تشبیه اقدام فعلی آمریکا به استقرار موشک‌های پرشینگ در اروپا در دهه ۸۰ که

۱. «روسیه و آمریکا در مورد سامانه دفاع موشکی واشنگتن مذاکره می‌کنند»، در وب سایت:

(<http://www.hamshahrionline.com/fa/news/view/html>)

۲. «هشدار دفاعی روسیه به آمریکا»، (۸۶/۲/۶) به نقل از:

(http://www.bbc.co.uk/persian/iran_story/2007/02/26)

۳. «پوتین: بیگانگان در امور داخلی روسیه دخالت می‌کنند»، سایت همشهری آنلاین، (۸۶/۲/۷)

(<http://www.hamshahrionline.com/fa/news/view/html>)

تهدیدی علیه خاک روسیه به حساب می‌آمدند، بیان داشت: «ما نمی‌توانیم نسبت به برنامه‌های نظامی اروپا نگران نباشیم. ما در حال انجام تعهداتمان هستیم. هیچ سلاح سنگینی در بخش اروپایی روسیه باقی نمانده است. با این حال ناتو می‌خواهد دو پایگاه جدید در بلغارستان و رومانی و دو سیستم دفاع موشکی در لهستان و جمهوری چک تأسیس کند. روسیه خودش را خلع سلاح کرده در حالیکه شرکایش منطقه را پر از سلاح‌های جدید کرده‌اند و روسیه در این زمینه حق دفاع را برای خود محفوظ می‌داند».

روسیه به شدت نگران برهم خوردن موازنه استراتژیک در جهان است، زیرا در این صورت نیروهای هسته‌ای خنثی شده کارایی خود را از دست خواهند داد و این به معنای آسیب‌پذیری این کشور در برابر دشمنانش می‌باشد. ویتالی چورکین، نماینده دائم روسیه در سازمان ملل در این مورد می‌گوید: «روسیه به اجرای برنامه استقرار سپر موشکی آمریکا به عنوان تدبیری مطلقاً دفاعی نگاه نمی‌کند و این برنامه موازنه استراتژیک در جهان را بر هم زده و منجر به ایجاد پتانسیل ضربه اول برای آمریکا می‌شود» (موسوی، پیشین، ص ۵۱) اما با این وجود برخی از پژوهشگران اظهار می‌دارند که موشک‌های رهگیر آمریکا در اروپای شرقی هرگز بازدارندگی روسیه یا هیچ کشوری را تهدید نخواهند کرد و این دو کشور به جای آنکه توانشان را برای حمله به یکدیگر افزایش دهند باید از خود بپرسند چرا آنها به حفظ بازدارندگی هسته‌ای‌شان^۱ ادامه می‌دهند و چگونه آنها می‌توانند از این وضعیت رهایی یابند. (Poutin, May 2007) (<http://www.thebulletin.org/columns/pavel-podvig/2007/05/24/html>)

۳. تثبیت هژمونی آمریکا. روسیه شدیدترین حمله را خود علیه طرح سپر دفاع موشکی آمریکا در کنفرانس مونیخ انجام داد. در روز اول این کنفرانس که در ۲۸ بهمن ۱۳۸۵ برگزار شد، ولادیمیر پوتین با انتقاد از سیاست‌های آمریکا در جهان آن را «بسیار خطرناک»

۱. بازدارندگی تلاش برای نفوذگذاری بردیگران از طریق تهدید به مجازات و تلافی می‌باشد. این استراتژی که سابقه‌ای به قدمت دیپلماسی دارد و در نهادهای داخلی همچون حقوق جزا نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد با ابداع سلاح‌های هسته‌ای در سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم وارد عصر جدیدی شد. هر چند باوقوع حوادث ۱۱ سپتامبر بسیاری از استراتژیست‌ها در خصوص کارایی آن برای مقابله با تهدیدات تشکیک کرده‌اند، اما همچنان از سوی اکثر کشورها به عنوان مهم‌ترین استراتژی برای مقابله با تهدیدات هسته‌ای دنبال می‌شود در حال حاضر روسیه و ایالات متحده بیشترین و پیچیده‌ترین سلاح‌های هسته‌ای را در اختیار دارند.

خواند و ایالات متحده را به اعمال و اجرای قوانین داخلی خود در ورای مرزهای جغرافیائی اش متهم کرد. پوتین گفت: «این سیاست آمریکا بسیار خطرناک است؛ هیچکس دیگر احساس امنیت نمی‌کند، زیرا کسی نمی‌تواند خود را در پناه قوانین بین‌المللی قرار دهد.» وی در ادامه آمریکا را متهم کرد که به دنبال جهان تک‌قطبی است و می‌خواهد به تنهایی تصمیم گیرنده باشد.^۱

این سخنان که واکنش شدیدی در جهان به همراه داشت، بیانگر آن بود که روسیه نسبت به نقش آمریکا در جهان نگران است و نمی‌خواهد چنین امری را بپذیرد. الکساندر گلتس، کارشناس نظامی روسیه در تفسیر این سخنان پوتین می‌گوید: «واکنش توأم با عصبانیت روسیه بیش از آنکه ناشی از نگرانی‌های امنیتی روسیه باشد درباره آنچه روسیه آن را تلاش واشنگتن برای تحمیل اراده‌اش بر جهان تلقی می‌کند است. سیستم دفاع ضد موشکی آمریکا توان هسته‌ای روسیه را تهدید نمی‌کند. مسکو ملاحظه می‌کند که آنچه در حال اتفاق افتادن است، موجب از بین رفتن موجودیت او به عنوان ابرقدرت هسته‌ای بزرگ می‌شود به همین خاطر با آن مخالفت می‌کند.»

(<http://www.rferl.org/features-artivcle/2007/02/3>) (RFE/RL, February 20, 2007)

همانگونه که لاورنس اف کاپلان از صاحب‌نظران محافظه‌کار نوین می‌گوید: «دفاع موشکی تنها در جهت حمایت از آمریکا ایجاد نشده، بلکه وسیله‌ای برای بدست گرفتن سلطه جهانی است. (جانسون، پیشین، ص ۱۳۹) حقیقت آن است که حق با روسیه است. سپر دفاع موشکی برای دفاع ساخته نشده، بلکه سپری تهاجمی است. این سپر دفاعی، انگیزه کافی برای رقابت در ایجاد سلاح هسته‌ای جهانی طبق الگوی رئالیسم تدافعی ایجاد می‌کند و بیش از آنکه تأمین‌کننده امنیت آمریکا شود آن را ناامن‌تر خواهد ساخت. جیم والش از همکاران تحقیقاتی امور بین‌الملل و علوم دانشگاه هاروارد در این رابطه می‌گوید: «دفاع موشکی به جای آنکه اقدامی دفاعی باشد، بیشتر حملات موشکی است. به هر حال دفاع موشکی بالستیک (BMD) نیز با مشکلات مشابه دیوار چین (که نتوانست از تهاجم مغول‌ها و مانچوها و خط ماژینو فرانسه که نتوانست از حمله آلمان‌ها جلوگیری

۱. «جنگ سرد باز می‌گردد» (۸۵/۱۲/۲۱)

(<http://www.bbc.co.uk/persian/iran story/2007/05/10>)

کند) مواجهه بوده و نخواهد توانست از ما در مقابل حملات موشکی به خوبی محافظت کند (به نقل از جانسون، همان).

اهداف آشکار آمریکا از استقرار سپر دفاع موشکی در اروپا

در جمع‌بندی ساده‌ای می‌توان اهداف آمریکا را از استقرار سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی در دو مقوله اهداف آشکار و پنهان دسته‌بندی کرد. منظور از اهداف آشکار آن دسته از اهدافی است که مقامات آمریکایی در توجیه عمل خود به آن توسل می‌جویند و بالتبع آنچه را که دیگران از این اقدام آمریکا برداشت می‌کنند یا نتیجه‌ای که از آن حاصل خواهد شد، اهداف پنهان را شکل خواهد داد.

۱. دفاع از ایالات متحده در برابر خطرات احتمالی. خاستگاه قانونی سپر دفاع موشکی آمریکا را باید در استراتژی امنیت ملی این کشور سراغ گرفت. استراتژی امنیت ملی آمریکا که اصول راهنمای کاخ سفید در تصمیم‌گیری‌های نظامی است در خصوص سیستم جامع دفاع موشکی تصریح می‌دارد که «ایالات متحده آمریکا باید سیستم جامع دفاع موشکی نیمه استراتژیک خود را بنا نهد. استقرار سیستم دفاع موشکی برای دفاع در مقابل حملات موشک‌های بالستیک ضروری به نظر می‌رسد»^۱. این سند با اشاره به گسترش فناوری موشک‌های کروز و دیگر موشک‌های پیشرفته، دولت این کشور را ملزم می‌سازد تا امکانات دفاعی لازم را در برابر این تهدیدات فراهم کند. نیز به ابعاد فنی، مالی و سیاسی طرح سپر دفاع موشکی اشاره کرده و از دولت این کشور می‌خواهد تا در این زمینه اقدامات لازم مبذول دارد. گفتگوهای بوش را با رؤسای جمهوری لهستان و چک در مورد استقرار این سامانه در این کشورها می‌توان با توجه به الزامات این سند برای دولت او دانست. چنانکه به موازات این طرح، گفتگوهای آمریکا با ژاپن، استرالیا، و کانادا نیز در جریان است. علت تأکید استراتژی امنیت ملی آمریکا بر داشتن سپر دفاع موشکی را توسط آمریکا باید در ترس از تهدیدات موشکی علیه آمریکا دانست که می‌تواند به شکل حملات هسته‌ای باشد. برخی تحلیل‌ها حاکی از آن است که «بخاطر فقدان سیستم موشک ضد بالستیک و تدارکات دفاعی شهری، حملات موشکی به آمریکا باعث نابودی گسترده و از

۱. کمیسیون تدوین استراتژی امنیت ملی آمریکا، استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱، ترجمه جلال دهمشگی و دیگران، چاپ چهارم، (تهران: ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳)، ص ۲۷۷

دست رفتن حیات خواهد شد.» طبق این تحلیل‌ها در صورت عدم وجود سیستم دفاع موشکی، حمله هسته‌ای روسیه به ایالات متحده ۶۷ میلیون قربانی بخاطر تأثیر مستقیم انفجار و قرار گرفتن در معرض رادیواکتیو بالا به همراه خواهد داشت. ظرف دو سال پس از آن ۱۲۱/۵ میلیون آمریکایی دچار مرگ خواهند شد. که در مجموع تعداد قربانیان را به حدود ۱۸۸ میلیون یا تقریباً ۷۰ درصد جمعیت آمریکا می‌رساند. در صورتیکه، وجود دفاع استراتژیک و شهری می‌تواند کشته‌های آمریکا را به حداقل ممکن یعنی ۷۰۰۰ نفر کاهش دهد. (Fetch-msg.tcl?msg)http://www.greenspun.com/bbard/q-and-a

اگرچه امکان بروز جنگ هسته‌ای میان آمریکا و روسیه ضعیف می‌باشد. اما خطر حملات هسته‌ای از سوی بازیگران غیردولتی را هیچگاه نمی‌توان صفر درصد دانست. لاورنس جی کورب در خصوص ضرورت داشتن سپر دفاع موشکی از سوی آمریکا می‌گوید: «علی‌رغم معاهدات کاهش سلاح‌های موشکی و پیمان‌های مرتبط با آن حادثه ۱۱ سپتامبر نشان‌دهنده ناتوانی آمریکا در دفاع کامل از سرزمین خود است. لذا بوش می‌بایستی در این زمینه افزایش بودجه برنامه دفاع موشکی را مدنظر داشته باشد.» (J.Korb & L.Tiersky, 2001) (http://www.cfr.org/publication/40856/end-of-unilateralism-)(aerms-control-after-september-11.html)

۲. دفاع از متحدین اروپایی آمریکا در برابر خطرات احتمالی. آنچه ستون اصلی استدلال آمریکا را برای استقرار سیستم سپر دفاع موشکی در لهستان و جمهوری چک شکل می‌دهد به گفته مقامات آمریکایی دفاع از این کشورها در برابر حملات احتمالی از سوی ایران و کره شمالی می‌باشد. (Harding, Op.Cit) از دید مقامات کاخ سفید، برنامه موشکی ایران و کره شمالی تهدیدی جدی برای صلح و امنیت جهانی و آمریکا و متحدانش می‌باشد، لذا این کشور باید از متحدین خود در برابر حملات احتمالی دفاع نماید.^۱ کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه آمریکا در مورد برنامه موشکی ایران می‌گوید: «تهدید موشکی ایران روز به روز در حال افزایش است و آمریکا باید برای مقابله با آن آماده باشد». وی بر همین اساس استقرار موشک‌های رهگیر در لهستان و ایستگاه رادار در جمهوری چک را «عامل ثبات

۱. «سپر موشکی آمریکا برای مقابله با تهدید ایران»، در وب سایت:

(http://www.bbc.co.uk/persian/iran story/2007/05/10)

بخش در منطقه می‌نامد» که این کشورها را در برابر هرگونه حمله احتمالی محافظت خواهد کرد. (Rice Defends European Interceptors Plan, April 12, 2007) (<http://www.missilethreat.com./2007/05/13.html>)

حفظ تمامیت ارضی و دفاع از متحدین آمریکا در سند استراتژی امنیت ملی آمریکا نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در این سند آمده: «روابط با روسیه باید متناسب با اهمیت این کشور به عنوان یک قدرت بزرگ باشد... ایالات متحده آمریکا باید از منافع خود دفاع نماید؛ بویژه هنگامیکه تحت تأثیر سیاست‌های نامطلوب روسیه واقع می‌شود... همچنین ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانان این کشور باید از استقلال سیاسی و تمامیت ارضی جمهوری‌های سابق اتحاد جماهیر شوروی پشتیبانی کنند»^۱.

در سر فصل برنامه‌های اداره امور اروپایی و اوراسیایی وزارت امور خارجه آمریکا نیز در مورد سپر دفاع موشکی و رابطه و همکاری با کشورهای اروپایی از سوی آمریکا آمده است «استقرار دفاع موشکی آمریکا در اروپا تنها به امنیت آمریکا و متحدین ناتو کمک نمی‌کند، بلکه همچنین دفاعی در برابر موشک‌های بالستیک دوربرد علیه کل اروپا می‌باشد.» این سند در خصوص همکاری با اروپا می‌گوید:

- برنامه‌های آمریکا برای کمک به تکمیل سپر دفاع موشکی اروپا به گونه‌ای باید باشد که آنها بتوانند در آینده سیستم دفاع موشکی بالستیک ناتو را تکمیل سازند.
- سیستم پیشنهادی آمریکا به اروپا برای مقابله با تهدیدات دوربرد طراحی شده است و همه کشورهای عضو ناتو را در برابر تهدیدات موشکی دوربرد خاورمیانه محافظت می‌کند.
- برخی کشورهای جنوبی اروپا به خاطر مجاورتشان با خاورمیانه با تهدیدات موشکی دوربرد از سوی ایران مواجه نیستند، در صورتی این کشورها در برابر خطرات محافظت شوند، احتیاج به سیستم‌های دفاع موشکی میان برد و کوتاه برد دارند.
- ناتو توسعه اقدامات دفاعی‌اش را بر مقابله با تهدیدات کوتاه‌برد متمرکز ساخته است.
- تلاش‌های ایالات متحده و ناتو مکمل هم هستند و می‌توانند با یکدیگر کار کنند تا دفاعی موثرتر برای اروپا به وجود آورند.

۱. کمیسیون تدوین استراتژی امنیت ملی آمریکا، پیشین، ص ۲۸۰

- هدایت و کنترل کمک‌های فنی به سیستم دفاع موشکی اروپا در اختیار آمریکا خواهد بود و به این ترتیب سیستم دفاع موشکی اروپا در آینده مکمل ناتو خواهد شد و عملی بودن سیستم های کوتاه برد آن تضمین می شود. " U.S Missile Defense: Cooperation with NATO and Russia", Bureau of European and European and Eurasian Affairs", April 16, 2007.06.17) (<http://www.state.gov/p/eur/rls/fs/83123.htm>)

۳. منصرف ساختن ایران از ادامه فعالیت‌های هسته‌ای. با وجود آنکه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تصریح می‌دارد هیچ نشانه‌ای که حاکی از انحراف برنامه هسته‌ای ایران از مقاصد صلح‌آمیز باشد در ایران پیدا نکرده و ایران ضمن پایبندی به پیمان‌های بین‌المللی بیشترین همکاری را در زمینه نظارت و بازرسی با آژانس داشته است، مقامات واشنگتن ایران را متهم به تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای می‌کنند. استفان هادلی، پژوهشگر مسائل استراتژیک با تأیید دیدگاه آمریکا در خصوص برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران می‌گوید: «سیستم دفاع موشکی عنصری استراتژیک برای تحت فشار قرار دادن و متقاعد کردن ایران است تا بفهمد توسعه این قابلیت به نفعش نیست.» (Moscow Perplexes U.S. over Missile Defense in Europe", Op.Cit

با این همه بر خلاف آنچه که کشورهای غربی می‌پندارند هیچ یک از این طرح‌ها نمی‌تواند ایران را از پیگیری حقوق قانونی خود بازدارد. مقامات جمهوری اسلامی هم بارها بر این نکته تأکید کرده‌اند و حتی مشخصاً تصریح داشته‌اند که برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران تهدیدی علیه هیچ کشوری در منطقه و جهان نیست. ایران تنها کشوری است که بازرسان آژانس بیش از ۱۵۰۰ نفر ساعت از سایت‌های هسته‌ای‌اش بازدید داشته‌اند و این شفافیت در عملکرد می‌تواند تأییدی بر گفته‌های مقامات ایران در صلح‌آمیز بودن برنامه‌های هسته‌ای‌اش باشد.

اهداف پنهان آمریکا در برابر سه توجیه فوق که مهم‌ترین اهداف آشکار آمریکا را شکل می‌دهد، استدلال‌های مختلفی صورت گرفته است. ولادیمیر پوتین در بیان یکی از دلایل مخالفت خود با این طرح در اجلاس مونیخ اظهار داشت: «سیستم پدافند موشکی که آمریکا برای اروپای شرقی برنامه‌ریزی کرده کاملاً غیرضروری است و دلایل واشنگتن برای ایجاد این سیستم پدافندی معقول و پذیرفتنی نمی‌باشد». او گفت «ایران هیچ موشکی که

اروپا را تهدید کند در اختیار ندارد. چنانچه شما [کشورهای اروپایی] نگران این هستید که ایران دارای چنین موشک‌هایی است باید گفت اشتباه می‌کنید. ایران موشک‌هایی با برد ۱۷۰۰-۱۶۰۰ کیلومتر در اختیار دارد». (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۸۶، ص ۵۲، ش ۱۳) که هرگز قادر به هدف قرار دادن خاک اروپا نیست. یوری بالیوفسکی، رییس کل ستاد ارتش روسیه هم با انتقاد از اقدام آمریکا گفت «مشخص نیست چه نوع تهدیدی برای منطقه با وجود دفاع ضد موشکی در لهستان ممکن است خنثی شود. علی‌رغم تمایل موجود نسبت به گسترش تکنولوژی‌های موشکی در جهان تنها تعداد محدودی از کشورها قادر به تولید موشک‌های دوربرد هستند که بتواند به دولت‌های اروپایی آسیب برساند. به علاوه هیچ امکان ضربه‌هسته‌ای علیه سرزمین آمریکا در جهان وجود ندارد. تنها تعداد محدودی از کشورها دارای این موشک‌های مهم هستند: فرانسه، انگلستان، روسیه و چین. بنابراین تصور هرگونه حمله هسته‌ای از سوی این کشورها به یکدیگر با توجه به سطح روابط میان اروپا، آمریکا و روسیه مشکل‌می‌باشد». (Russian General Warns USA Developing Antimissile System in Europe) (RIA_Novesti, (<http://www.cdi.org/russia/johnson/> 2006-280-34.cfm)

کشور دیگری که برنامه‌های موشکی‌اش تهدیدی برای غرب دانسته می‌شود، کره شمالی است. این کشور دارای ۲ موشک تائوپودونگ ۱ و تائوپودونگ ۲ است. موشک تائوپودونگ ۱ می‌تواند تنها هزار کیلوگرم بمب هسته‌ای را برای حدود ۲۵۰۰ کیلومتر حمل کند که برای رسیدن به آمریکا کافی نیست. این موشک همچنین می‌تواند سلاح‌های بیولوژیکی و شیمیایی بیشتری برای ۴۱۰۰ کیلومتر حمل کند که باز حدود ۴۰۰ کیلومتر از نزدیک‌ترین نقطه آمریکا در شمالی‌ترین قسمت آن یعنی آلاسکا و جزایر هاوایی فاصله دارد. با این حال موشک تائوپودونگ ۲ می‌تواند فقط به سختی به آلاسکا برسد. البته کره شمالی می‌تواند موشک هسته‌ای کوتاه‌برد را از روی کشتی شلیک کند، ولی باز سیستم دفاع موشکی فعلی قادر به دفاع در برابر آن نیست. به علاوه اگر یک بمب هسته‌ای از روی کشتی شلیک شود، ردیابی اینکه این بمب از کجا آمده مشکل‌تر خواهد بود.

(Why Missile Defense Wont Work: A Technical Analysis)

(<http://www.area51zone.com/abm/index.shtm1>)

اهداف پنهان آمریکا. این مطلب بی‌اساس بودن ادعاهای آمریکا را در خصوص سپر دفاع موشکی مشخص می‌سازد، اما در برابر این اهداف آشکار ذکر شده، برخی از تحلیل‌گران از موارد زیر به عنوان اهداف پنهانی طرح آمریکا یاد می‌کنند:

۱. بی‌اعتمادی به تحولات داخل روسیه. علی‌رغم همکاری‌های روسیه و آمریکا در پانزده سال اخیر، آمریکا هیچگاه به روسیه به عنوان متحدی قابل اطمینان نگاه نکرده است، چرا که به تحولات داخلی روسیه اعتمادی ندارد. از دید آمریکا نظام حاکم بر روسیه، بسته و دیکتاتوری است و این کشور فضاهای شکل گرفته پس از فروپاشی را برای گسترش دموکراسی و حقوق بشر از بین برده است. مسأله حقوق بشر، نبود آزادی بیان و سایر آزادی‌ها و به تأخیر افتادن اصلاحات باعث گردیده تا کشورهای اروپایی و آمریکا سیر دموکراسی در روسیه به ویژه در دوران پوتین را رو به قهقرا بخوانند. کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه آمریکا بارها از نقض حقوق بشر در روسیه و تمرکز قدرت در این کشور انتقاد کرده است.^۱ این انتقادات به متحدین اروپایی روسیه نیز تسری پیدا کرده بگونه‌ای که برخی از سیاستمداران اروپایی - نظیر الکساندر گراف لامسدورف عضو حزب دموکراتیک آلمان - امروزه بدون هیچ پروایی از «به بن‌بست رسیدن توسعه دموکراتیک در روسیه» سخن می‌گویند.^۲ آنچه که در حال حاضر مقامات آمریکا را بیش از پیش نگران می‌سازد انتخابات سال آینده روسیه است. آمریکا اعتمادی به جانشین پوتین احتمالاً ایوانف - وزیر دفاع فعلی روسیه - ندارد و بر آن است تا با اجرای طرح سپر دفاع موشکی و تضعیف نظامی روسیه خواسته‌های خود را بر این کشور تحمیل کند. ("U.S to Ignore Russia Missile Fears. " (<http://www.flametree.blog.city.com/us-to-ignore-russia-missile-fears.html>)

۲. جلوگیری از نزدیکی میان اروپای قدیم و روسیه. اگر چه روابط سرد اروپا و آمریکا پس از اشغال عراق رو به گرمی نهاد و این کشورها در بازسازی و تأمین امنیت عراق مشارکت

۱. «تمرکز قدرت در کرملین موجب نگرانی است»، خبرگزاری ایسنا، (۸۶/۲/۲۱)

(<http://www.isna.ir/fa/news/view/2007/05/11>)

۲. «مسکو دفاع موشکی آمریکا را بخشی از توطئه محاصره روسیه خواند»، روزنامه اطلاعات، (۸۶/۲/۳۰)

کردند، اما خاطره تلخ مخالفت این کشورها با سیاست‌های آمریکا هنوز در ذهن تصمیم‌گیران کاخ سفید مانده است. نومحافظه‌کاران آمریکا اکنون بیشتر ترجیح می‌دهند تا روابط اقتصادی، سیاسی و نظامی قوی‌تری با کشورهای اروپای شرقی - اروپای جدید - داشته باشند تا با اروپای پیر، اما آنها همچنان همراهی کشورهای بزرگ اروپا، آلمان، فرانسه و انگلیس، را با خود دارند و از نقش موثری که این کشورها می‌توانند در پیشبرد سیاست‌های آمریکا ایفا کنند غافل نشده‌اند. به رغم این روابط، یکی از حدس‌هایی که در مورد هدف آمریکا از طرح سپر دفاع موشکی زده می‌شود این است که ایالات متحده از نزدیکی میان کشورهای اروپای شرقی و غربی مخصوصاً شکل‌گیری ائتلاف ضد آمریکایی اروپا - روسیه چندان خشنود نیست، زیرا هم‌پیمانی رو به رشد مبتنی بر انرژی اروپا و روسیه می‌تواند تهدیدی علیه آمریکا باشد. استقرار سپر دفاع موشکی در لهستان و جمهوری چک نه تنها می‌تواند امنیت این دو کشور را به امنیت آمریکا گره بزند، بلکه از نزدیکی آنها به روسیه نیز جلوگیری خواهد کرد. مضافاً اینکه نظامی شدن اروپا بستر مناسبی برای مداخلات آمریکا در این قاره فراهم خواهد ساخت. (U.s & Missile defense RIA_Novest, May6,2007) (<http://www.cdi.org/Russia/johnson/2007/05/06>)

۳. تأمین اعتبار مالی طرح سیستم دفاع موشکی. طی سال‌های گذشته سیستم دفاع موشکی آمریکا با سه دسته مخالفت داخلی مواجهه بوده است. به لحاظ سیاسی گفته می‌شود پیگیری این سیستم دفاعی که مستلزم کنار گذاشتن معاهده ۱۹۷۲ موشک‌های ضد بالستیک از سوی آمریکا در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۱ بود، موجب شد تا نظام کنترل تسلیحات خدشه‌دار و زمینه برای خروج روسیه از آن فراهم شود. این خروج می‌تواند آغازی برای پروژه‌های نظامی روسیه و شروع جنگ تسلیحاتی باشد. همچنین برخی به آزمایش موشکی اخیر چین در فضا اشاره می‌کنند و آن را نتیجه سیاست‌های غلط کاخ سفید در این زمینه و احساس خطر چین از سپر دفاع موشکی آمریکا می‌دانند. (جانسون، پیشین، ص ۱۳۷) به همین دلیل بر این اعتقادند که ایالات متحده باید این برنامه نظامی را متوقف سازد که نتیجه‌ای جز ناامن‌تر ساختن جهان ندارد.

http://www.en.iran.ru/world/) Us Start talks on Missile Defense, May10,2007)
2007/05/02/64741957.html

برخی بر این نظرند که بوش می‌کوشد با استقرار سیستم دفاع موشکی در اروپای شرقی نه تنها بخشی از هزینه‌های مربوطه را از طریق اروپا تأمین کند بلکه با مهم جلوه دادن سیستم دفاع موشکی دموکرات‌های مخالف در کنگره را نسبت به اختصاص بودجه لازم برای آن قانع سازد.^۱ آنچه کار بوش را سخت‌تر می‌سازد نفوذپذیر بودن طرح است، چرا که به گفته آنتولی دابرنین تنها با هزینه کردن ۱۰ درصد مخارجی که آمریکا برای طرح پرداخته است، می‌توان آن را از کار انداخت (جانسون، پیشین، ص ۵۰).

پیش‌تر نیز ساخاروف، دانشمند روسی در مورد سیستم ابتکار دفاع استراتژیک گفته بود «سیستم SDI هرگز علیه دشمن سر تا پا مسلح، موثر نیست؛ این سیستم تا حدودی ممکن است نوعی خط ماژینو در فضا باشد. (طرحی پر هزینه و آسیب‌پذیر در مقابل اقدامات تهاجمی) سیستم SDI نمی‌تواند به عنوان یک دفاع مردمی یا به عنوان سپر محافظ در مقابل ضربه اول عمل کند، زیرا به سادگی قابل شکست است» (همان، ص ۵۱).

۴. گسترش حوزه نفوذ آمریکا. همانگونه که پیشتر گفتیم ایالات متحده پس از ۱۱ سپتامبر روند یک جانبه گرایانه‌ای را برای پیشبرد اهداف خود در جهان و تثبیت هژمونی آمریکا در پیش گرفته است. یکی از مناطقی که برای مقامات کاخ سفید در این زمینه حائز اهمیت است، منطقه اروپای شرقی، یعنی حوزه تحت نفوذ کمونیسم در دوران جنگ سرد است. ایالات متحده طی چند سال گذشته تلاش بسیاری برای به عضویت در آوردن این کشورها در ناتو انجام داده است. عضویت این کشورها در ناتو و دور شدن تدریجی آنها از روسیه باعث شد تا مقامات مسکو قدرت خود را در این مناطق از دست رفته ببینند. مخالفت روسیه با طرح سپر دفاع موشکی آخرین تلاش این کشور برای جلوگیری از توسعه نفوذ آمریکا در منطقه و بازگرداندن این کشورها به کمپ متحدین روسیه می‌باشد. مسکو اقدامات آمریکا را شروع جنگ سرد و «بازی دومینو» در منطقه می‌داند که به هر شکل

۱. «روسیه و آمریکا در مورد سامانه دفاع موشکی واشنگتن مذاکره می‌کنند»، سایت همشهری آنلاین، (۸۶۲/۳۰)

می‌بایست متوقف شود. از دید مقامات کرملین سیاست‌های یک جانبه آمریکا که بر اساس الگوی رئالیسم تهاجمی صورت می‌گیرد، خطری برای جهان و در پیش گرفتن شیوه امپریالیستی است که خلاف هنجارهای جامعه جهانی و قوانین بین‌المللی است (روزنامه شرق، ۸۶/۳/۱۲).

تلاش آمریکا برای کاهش بحران. مشاجرات لفظی اولیه بین مقامات کاخ سفید و کرملین نقش بسزایی در شدت گرفتن بحران داشت. این امر که تداوم آن می‌توانست عواقب خطرناکی برای جهان به بار آورد، آمریکایی‌ها را پیشقدم ساخت تا برای کاهش بحران دست به اقداماتی بزنند. نخستین گام در این راه سفر رابرتس گیتس وزیر دفاع آمریکا و خانم رایس به روسیه جهت مذاکره با روس‌ها و کاستن از اختلافات بود. اگر چه این سفرها نتوانست طرف روسی را نسبت به اهداف آمریکا از طرح سپر دفاع موشکی اقناع کند. اما حداقل این نتیجه را در بر داشت که هر دو طرف پذیرفتند بیش از این با یکدیگر به تعرض کلامی نپردازند و نسبت به هم محترمانه برخورد کنند. (پوتین رییس جمهور روسیه پیشتر بوش را به «رایش سوم» تشبیه کرده بود).

همچنین به عنوان گام دوم، دو طرف موافقت کردند بعنوان بخشی از تلاش‌ها برای حل مناقشه فزاینده بین خود نشست‌هایی در سطح وزیران دفاع و امور خارجه برگزار کنند. دعوت از روسیه برای مشارکت در طرح سیستم دفاع موشکی و بازدید از سایت‌های موشکی آمریکا در آلاسکا و فیلادلفیا- که قابلیتی شبیه مدل پیشنهادی برای لهستان و چک داشتند- در همین مرحله و برای کاستن از نگرانی‌های روسیه پیشنهاد شد، اما ظاهراً هر دو درخواست با مخالفت روسیه روبه رو گردید. (Us Missile Defense: Cooperation with NATO and Russia, Op.Cit)

گام سوم، ورود روسای جمهور دو کشور به گفتگوهای حضوری با یکدیگر بود. اجلاس گروه هشت در کشور آلمان فرصتی را فراهم کرد تا روسای دو کشور راه‌های برون رفت از بحران را بررسی کنند. سخنان جورج بوش، رییس جمهور آمریکا در روزهای پیش از آغاز این نشست، نقش مهمی در تعدیل بحران و ایجاد علاقه در طرف روسی برای حل بحران از طریق دیپلماتیک ایفا کرد. جورج بوش در جریان سفر دوره‌ای

خود به اروپا گفت: «جنگ سرد به پایان رسیده و جنگ سرد دیگری رخ نخواهد داد. هم اکنون ما در قرن ۲۱ هستیم، جایی که باید با تهدیدات واقعی برخورد کنیم؛ که این تهدیدها از سوی افراطیون رادیکال و همچنین تهدید تکثیر سلاح‌های هسته‌ای صورت می‌گیرد.» وی اظهار داشت «روسیه نگران سیستم سپر دفاع موشکی است و فکر می‌کند که این سیستم کشورش را هدف قرار داده، نه اینطور نیست. هدف آن رژیم‌هایی است که از سامانه موشک برای رسیدن به اهداف سیاسی و ایجاد آشوب استفاده خواهند کرد»^۱.

اقدامات متقابل روسیه در برابر آمریکا. در مقابل پیشنهادات آمریکا برای کاهش بحران، واکنش‌های اولیه روسیه بسیار تند و ناامیدکننده بود. روس‌ها نه تنها از لحن تند خود نکاستند، بلکه دو کشور لهستان و جمهوری چک را نیز تهدید به حمله نظامی کردند. در این رابطه وزیر امور خارجه روسیه، دمیتری پسکوف، گفت «ما هنوز متقاعد نشده‌ایم که تنها هدف این سپر دفاع موشکی صرفاً تهدیدات احتمالی ممکن است که از جانب ایران یا برخی دولت‌های دیگر مطرح شود. به نظر ما تنها هدف واقعی روسیه است، لذا روسیه حق دفاع را برای خود محفوظ می‌داند». (Us Senators Back Missile Defense Plan, <http://www.examiner.com/a-754142-us-senators-back-missile-defense-plane.html>)

واکنش روس‌ها در سه بخش قابل بررسی می‌باشد:

الف) تهدیدات متقابل روسیه

ب) اقدامات عملی صورت گرفته

ج) اقدامات احتمالی

الف) تهدیدات متقابل روسیه. تهدیدات متقابل روسیه نسبت به استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در لهستان و چک در سه مرحله انجام شد. نخستین تهدید در این زمینه، توسط شخص پوتین و در مصاحبه با رسانه‌های خبری مطرح شد که پس از سخنان تند وی علیه آمریکا در کنفرانس امنیتی مونیخ به سراغ او آمدند. پوتین صریحاً اعلام داشت که روسیه

۱. «پیام تفاهم بوش برای کرملین»، روزنامه ایران، (۸۶/۳/۱۳)

می‌تواند دو راه را در پاسخ به استقرار سیستم ضد موشکی آمریکا برگزیند، اول آنکه می‌تواند سیستم دفاع ضد موشکی بسازد و دوم آنکه موشکی بسازد که از سیستم‌های دفاع موشکی بگذرد. او گفت تصمیم روسیه انتخاب راه دوم است (به نقل از موسوی، پیشین، ص ۵۱).

تهدید دوم روسیه در جریان سخنرانی بعدی پوتین در مجمع فدراسیون روسیه عنوان شد. همانطور که پیشتر اشاره کردیم پوتین در این سخنرانی خواستار تعلیق پایبندی روسیه به پیمان کاهش نیروهای نظامی متعارف در اروپا (CEF) شد و ضرب‌العجلی یکساله‌ای برای کشورهای اروپایی تعیین کرد که هنوز این پیمان را تصویب نکرده‌اند تا این کار را انجام دهند. پوتین دلیل این اقدام روسیه را، علاوه بر مسائل دیگر، طرح آمریکا برای استقرار سپر موشکی در اروپای شرقی اعلام کرد.^۱

در همین راستا فرمانده ستاد مشترک روسیه نیز اعلام کرد که به کارگیری سپر دفاع موشکی می‌تواند زمینه کنار گذاردن پیمان نیروهای هسته‌ای میان برد (INF) را فراهم آورد که ایالات متحده و شوروی آن را در ۱۹۸۷ امضاء کردند. (Cited By: Pavel Podvig, "Missile Defense: The Russian Reaction", February 26, 2007)

(<http://www.thebulletin.org/columns/pavel-podvig/2007/02/26.html>)

در صورت عملی شدن چنین تهدیداتی کل معادلات امنیتی در اروپای پس از جنگ سرد با تهدید جدی روبه‌رو می‌شود. به همین دلیل رهبران اتحادیه اروپا به تکاپوی جدی‌تری افتاده‌اند تا آمریکا را متقاعد کنند از طریق مشارکت با روسیه در طرح سپر دفاع موشکی، همکاری مسکو را به دست آورد. تحلیلگران نظامی می‌گویند روسیه این تهدید را عملی خواهد کرد تا به ایالات متحده نشان دهد همانطور که آن کشور قادر به خروج از پیمان‌های نظامی همچون پیمان موشک ضد بالستیک است، روسیه نیز می‌تواند به طور یک جانبه خود را از پیمان‌هایی که تمایلی نسبت به آنها ندارد رها سازد.

۱. پیمان کاهش نیروهای نظامی متعارف در اروپا نخستین بار در سال ۱۹۹۰ میان روسیه و اعضای ناتو امضاء شد. این پیمان در سال ۱۹۹۹ مورد بازنگری اعضای قرار گرفت. روسیه این پیمان را در سال ۲۰۰۴ به تصویب رساند. در حال حاضر کشورهای ایسلند، لیتوانی و لیتوانی بعنوان بخش‌های سابق اتحاد جماهیر شوروی و اعضای جدید ناتو این پیمان را تصویب نکرده‌اند. کشورهای عضو ناتو تصویب این پیمان را منوط به خروج نیروهای رسمی از مولداوی و گرجستان، جمهوری‌های سابق اتحاد جماهیر شوروی کرده‌اند.

اما آخرین تهدید که خطرناک‌ترین آنها نیز تلقی می‌شود تهدید به هدف قرار دادن دو کشور جمهوری چک و لهستان و نشانه رفتن موشک‌های روسیه به سمت آنها است. نیکلای سلفتسوف، فرمانده نیروهای موشکی استراتژیک روسیه این تهدید را اینگونه بیان می‌کند: «در صورتی که لهستان و چک با احداث پایگاه‌های دفاع موشکی آمریکا در کشورشان موافقت کنند، با خطر هدف قرار گرفتن از سوی روسیه مواجه خواهند شد» او می‌گوید: «اگر رهبران سیاسی به او دستور انجام این کار را دهند موشک‌های روسی می‌توانند تأسیسات دفاع موشکی ایالات متحده را در لهستان و جمهوری چک هدف قرار دهند» (Podvig, Op.Cit).

ب) اقدامات عملی صورت گرفته. دولت روسیه در نخستین واکنش جدی به طرح سپر دفاع موشکی آمریکا در خرداد ماه، اقدام به آزمایش موشک بالستیک جدیدی با قابلیت حمل کلاهک ترکیبی نمود. گفته می‌شود روسیه تلاش دارد تا برنامه‌های تولید موشک‌های بالستیک و ضد بالستیک را با جدیت بیشتری دنبال کند و حتی برخی علت واکنش آرام روسیه را به خروج از پیمان موشک ضد بالستیک در سال ۲۰۰۲، بازتر شدن دست این دولت برای ارتقاء سپر موشکی‌اش ذکر می‌کنند. کرملین در سال ۲۰۰۴ با موفقیت سیستم مدرن ضد موشک بالستیک را آزمایش کرد. ارتقاء موشک که دارای بردی حدود ۶۰۰۰ مایل است به عنوان موشکی که قابلیت رهگیری و نابودی سایر موشک‌ها را دارد، می‌تواند رقابت‌های نظامی روسیه را با آمریکا وارد دور جدیدی کند. (Russian Missile Defense System Test Successful, News Max Wires) Nov.29, 2004 <http://www.newsmax.com/archives/articles/2004/11/29.html>

خروج روسیه از پیمان کاهش نیروهای نظامی متعارف در اروپا (CEF) که پیشتر نسبت به آن هشدار داده بود و متوقف ساختن اجازه نظارت بر نقل و انتقال واحدهای نظامی در خاک این کشور توسط بازرسان خارجی که طبق این پیمان صورت می‌گرفت، اقدام دیگر روسیه در این مورد باید به شمار آید (ایوانف، ۱۳۸۶).

ج) پیش‌بینی اقدامات احتمالی. با توجه به اینکه کرملین هنوز به صراحت همه برنامه‌های خود را اعلام نکرده است، این مورد کارشناسان دفاعی گزینه‌های مختلفی را در این رابطه پیش‌بینی می‌کنند. برخی از مهمترین این موارد عبارتند از:

- ۱- قرار دادن موشک‌های روسی بر پرتاب کننده‌های سیار
- ۲- حرکت ناوگان دریایی و زیردریایی روسیه به سمت قطب شمال (Harding, Op.Cit)
- ۳- تحکیم روابط با رژیم‌های مخالف ایالات متحده و حمایت از جنبش‌های ضد آمریکایی

۴- فشار بر کشورهای اروپایی از طریق تحمید صدور گاز به اروپا اگرچه این ابزار روسیه تاثیر مستقیمی بر آمریکا ندارد، اما فشار زیادی بر متحدین آمریکا در اروپا وارد می‌کند، زیرا روسیه از نظر تأمین گاز اروپا در مکان نخست و از نظر تأمین نفت در مکان دوم قرار دارد. در مجموع ۳۰ درصد نفت و گاز مصرفی کشورهای اروپایی را روسیه تأمین می‌کند و قرار است این رقم در سال‌های آینده با راه‌اندازی خطوط لوله جدید از جمله خط لوله گاز اروپای شمالی افزایش یابد که نفت روسیه را به آلمان انتقال خواهد داد.

دیدگاه اعضاء ناتو نسبت به تشدید بحران. در حال حاضر میان اعضاء ناتو دیدگاه‌ها و مواضع مختلفی شکل گرفته و این امر، آنها را نسبت به استقرار سیستم دفاعی موشکی در شرق اروپا دچار تردید کرده است. اعضای قدیمی ناتو در اروپا به سپر دفاع موشکی علاقه‌ای ندارند، اما نمی‌خواهند به نزاع و کشمکش با آمریکا ادامه دهند و از سوی دیگر از قدرت به سرعت در حال رشد روسیه هم بیم دارند. آنها نمی‌خواهند که سیاست‌های اروپا بار دیگر نظامی شود، چون این کار به منافع اروپا لطمه می‌زند و موضع آمریکا و تا حدی روسیه را تقویت می‌کند. ("U.s and Missile defense" RIA _ Novest, May 6,2007)

(<http://www.cdi.org/Russia/johnson/2007/05/06>)

از دید مقامات آلمان آنچه که بروز کرده چرخه‌ای از بی‌اعتمادی میان آمریکا و روسیه است که باید جلوی آن گرفته شود. آلمان به شدت مخالف ایجاد دودستگی میان کشورهای اروپا همانند زمان شروع جنگ عراق و تقسیم اروپا به اروپای قدیم و جدید است.

وزیر دفاع آلمان فرانس ژوزف هونگ در این باره می‌گوید: «او مطمئن است که ایالات متحده می‌تواند نگرانی‌های روسیه را با تبیین این موضوع که منافع مشترکی به لحاظ امنیتی در برابر موشک‌های دولت‌های سرکش وجود دارد رفع کند». او ضمن تأیید

تلویحی طرح سپر دفاع موشکی آمریکا، تاکید می‌کند: «سپر دفاع موشکی بعنوان «کارکردی دفاعی برای مردم» در نظر گرفته شده که هدفش مقابله با تهدیدی است که می‌تواند ۱۰ سال دیگر باشد.» (Poland Willing to Host Interceptor Missile Race)

<http://www.doctorbulldog.wordpress.com/2007/04/25>

با این وجود نگاه‌های بدبینانه نسبت به اقدامات آمریکا همچنین در این کشور وجود دارد. کورت بک رهبر سوسیال دموکرات‌ها چندی پیش هشدار داد، آمریکا و روسیه در آستانه رقابت تسلیحاتی دیگر بر سر خاک اروپا هستند و کشورش باید جلوی این امر را بگیرد (روسیه در فکر تلافی موشکی علیه آمریکا)، در وب سایت:

<http://www.hamshahrionline.com/fa/news/view/html>

فرانسه نیز همچون آلمان نگرانی‌هایی در مورد آینده اروپا و همچنین کارایی سیستم سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپای شرقی دارد. دیدگاه‌های روسیه مبنی بر اینکه این اقدام آمریکا جرقه نا امنی را در اروپا خواهد زد، فرانسویان را نسبت به آینده نگران می‌سازد (Rice Defends European Interceptors Plan, April 12, 2007, Op.Cit).

اسلواکی - دیگر کشور اروپایی که در همسایگی لهستان و چک قرار دارد - بر این نظر است که آمریکا و اتحادیه اروپا دچار «خطایی استراتژیک» شده‌اند که با روسیه درباره استقرار سپر دفاع موشکی مشورت نکرده‌اند. روبرت فیکو، رئیس جمهور اسلواکی علی‌رغم وارد کردن این انتقاد به آمریکا و اتحادیه اروپا استقرار سپر دفاع موشکی را «اقدامی برای امنیت بیشتر اروپا می‌داند» (تهدید هسته‌ای روسیه علیه آمریکا)، در سایت اینترنتی: <http://www.hamshahrionline.com/fa/news/view/html>

در این میان از همه مهم‌تر موضع دو کشور میزبان سپر دفاع موشکی، لهستان و جمهوری چک است. این دو کشور که به تازگی به عضویت ناتو درآمده‌اند، اقدامات آمریکا را برای امنیت اروپا حیاتی می‌دانند. نخست‌وزیر جمهوری چک در نشست ۱۵ رهبر اروپایی گفت «دفاع از اروپا در برابر موشک‌های برخی دولت‌ها و سازمان‌ها گامی ضروری است که به شکل قابل توجهی امنیت متحدین اروپایی و همسایگانمان را افزایش خواهد داد.» (Czech Premier: US Missile Defense Plan Necessary", Associated Press,

<http://www.jpost.com/servlet/satellite?cid=11787086.show>

این در حالی است که در بررسی صورت گرفته توسط Ipsos-Tambor مشخص شد اکثر مردم چک مخالف نصب سیستم سپر دفاع موشکی در چک هستند. (در این نظرسنجی ۵۵/۸ درصد پاسخ‌دهندگان مخالف و تنها ۲۸/۲ درصد موافق بودند).

(Czech Republic U.S Start talks on Missile Defense may 10", Op.Cit)

همچنین در رای گیری از مردم شهر تورکاوک به عنوان محلی که قرار است سیستم رادار آمریکا در پایگاهی نزدیک آن نصب شود به عمل آمد از ۹۰ رأی دهنده واجد شرایط ۷۲ نفر با این طرح مخالف بودند و اعلام کردند که شورای شهر باید از هر اقدامی برای جلوگیری از انجام این کار استفاده کند. با این وجود معاون نخست وزیر چک بر اطلاع‌رسانی بیشتر به مردم کشورش در اجرای این طرح تأکید دارد و معتقد است که این طرح برای روابط آمریکا-اروپا خوب است و اروپا نیازمند آن می‌باشد. آندره لیسکا رییس کمیته اروپایی پارلمان چک هم در این باره بر این نظر است که اگر آمریکا می‌خواهد کشورهای ناتو را با دفاع موشکی محافظت کند باید رضایت آشکار و جمعی اعضای ناتو را به دست آورد. آمریکا که خود عضو ناتو است اذعان می‌دارد که بدنه ارشد تصمیم‌گیرنده ناتو کاملاً توجیه شده‌اند. اما به رغم این گفته‌ها و تحقیقات ده هزار صفحه‌ای ناتو در خصوص ساخت سیستم دفاع موشکی، این کشورها هنوز دقیقاً نمی‌دانند چه باید بکنند. آنجلا مرکل، صدراعظم آلمان، تلاش بسیاری می‌کند تا این موضوع از طریق ناتو و نه به صورت دوجانبه مدیریت شود. (Harris)

(<http://www.npr.org/templates/story/php>)

اما با این حال برخی از ناظران بین‌المللی بر این نظرند که اگر نخبگان اروپایی عزمی راسخ برای بازگرداندن اتحادیه اروپا به یک بازیگرای مهم در عرصه جهانی دارند باید با جدیت بیشتری با روسیه برخورد کنند. (آمریکا به هیچ وجه مایل به درگیر کردن ناتو در بحث نیست و تطویل در این کار می‌تواند همانند ۴ سال پیش یک بار دیگر ناتو را وارد چالش کند) طرفداران رویکرد برخورد با روسیه، غالباً به رفتارهای این کشور در طول دهه ۹۰، دشمنی و مخالفت‌های آن با روند گسترش ناتو به شرق اشاره و تأکید می‌کنند که در آن زمان هم اروپایی‌ها در برخورد با روسیه دچار تردید بودند و دو پهلو صحبت می‌کردند در حالیکه واشنگتن بسیار خونسردانه تهدیدات روسیه را نادیده گرفت و حاصل این رفتار

آمریکا امروز وجود اروپایی دموکراتیک، صلح‌آمیز و ایمن‌تر است. سوارن کرن، پژوهشگر روابط بین‌الملل، که توسعه اتحادیه اروپا را حاصل تضمین‌های امنیتی فراهم شده توسط گسترش ناتو می‌داند از جمله این پژوهشگران است. او می‌گوید: «روسیه که ایالات متحده را متهم به، به خطر انداختن جهان می‌کند، کمکی به ایجاد اعتماد در میان اروپائیان نکرده است. روسیه در سال ۲۰۰۶ بزرگ‌ترین صادر کننده اسلحه به سوریه و ونزوئلا - که جزء دولت‌های سرکش هستند- بوده و سیستم دفاعی به ارزش ۷۰۰ میلیارد دلار به ایران فروخته است. همچنین سیاست‌های ملی‌گرایانه این کشور در زمینه گاز و انرژی در سال‌های گذشته بیش از دفاع موشکی آمریکا بر هم زنده امنیت اروپا بوده است» به هر حال ادامه این وضعیت و تردید اروپایی‌ها در برابر قدرت‌نمایی روسیه دلیل مثبتی برای بسیاری از دموکرات‌ها و جمهوری خواهان واشنگتن خواهد شد که اروپایی‌ها هنوز فاقد بلوغ لازم برای پذیرفتن نقش رهبری جدی در امور جهان هستند. بنابراین تداوم ثبات سیستم بین‌المللی به رهبری آمریکا بستگی دارد. حتی اگر روسیه و دوستان حامی‌اش در اروپا آرزوهایایی غیر از آن داشته باشند (Kern,2007,28) (<http://www.eng.gees.org/english.pdf.187>)

پیامدهای بحران جاری برای ایران و جهان. اگر چه در حال حاضر روسیه فاقد جایگاه و قدرت پیش از فروپاشی خود است، اما در این نکته که هنوز قدرتی بزرگ و تأثیرگذار در روابط بین‌الملل است کمتر می‌توان تردید داشت. مسائل بسیاری در جهان وجود دارد که به وضع و حضور این کشور پیوند خورده است و برخورداری از حق و تو در شورای امنیت نیز آن را تشدید می‌کند. در شرق آسیا بحران هسته‌ای کره شمالی و مذاکرات شش جانبه، در خاورمیانه بحران عراق، لبنان، فلسطین و پرونده هسته‌ای ایران و در آفریقا بحران سودان و سومالی و همچنین در خود اروپا مسأله استقلال کوزوو و آینده انرژی، جملگی به نوعی متأثر از تصمیمات مسکو است.

اما در این میان مسأله هسته‌ای ایران و سرنوشت آن از جایگاهی خاص برخوردار است. در عین حال که ایران و اتحادیه اروپا مذاکرات خود را برای به نتیجه رسیدن پرونده هسته‌ای ادامه می‌دهند، ایالات متحده در حال تهیه پیش‌نویس قطعنامه جدیدی علیه ایران در شورای امنیت است. ایران اعلام نموده است که به هیچ وجه حاضر به عقب‌نشینی از

مواضع خود و نادیده گرفتن حق قانونی‌اش در دستیابی به انرژی هسته‌ای نیست. ایالات متحده نیز همچنان که در مورد طرح سپر دفاع موشکی شاهد آن هستیم در حال تنگتر کردن حلقه محاصره و مقابله با اقدامات احتمالی ایران می‌باشد. گمانه‌زنی‌ها حاکی از آن است که ایالات متحده خود را برای حمله‌ای احتمالی به ایران در آینده آماده می‌کند و استقرار طرح سپر دفاع موشکی در عین حال که هدف تضعیف توان استراتژیک و بازدارندگی روسیه و چین را مدنظر دارد گامی برای متقاعد ساختن کشورهای اروپایی برای محفوظ ماندن در برابر خطرات ایران در صورت همراهی‌شان در حمله احتمالی به ایران است.

در حال حاضر روند یک جانبه‌ای که آمریکا در سراسر جهان برای تحقق خواسته‌های خود در پیش گرفته نه تنها به زیان ایران، بلکه به ضرر همه کشورهای جهان است. گشوده شدن جبهه مخالف اقدامات آمریکا از سوی روسیه می‌تواند فرصت مناسبی برای ایران فراهم سازد تا از شکل‌گیری اجماع مجدد بر سر پرونده، هسته‌ای‌اش در شورای امنیت جلوگیری نماید. اگر هدف واقعی آمریکا از طرح سپر دفاع موشکی، ایران و کاهش توان نظامی آن برای حمله‌ای قریب‌الوقوع در آینده باشد، ایران می‌تواند این نکته را به مقامات کرملین یادآور شود که تغییر رژیم ایران نه تنها زمینه بروز و آشوب در منطقه آسیای میانه و قفقاز را فراهم می‌سازد، بلکه در صورت موفقیت، نظام سیاسی موافق غرب در ایران بر سر کار خواهد آورد که معنایش چیزی جز تنگتر شدن حلقه محاصره روسیه نخواهد بود، لذا دو طرف باید همکاری بیشتری با یکدیگر داشته باشند. عمل به تعهدات از سوی روسیه در تحویل سوخت اتمی نیروگاه بوشهر که به دلیل مخالفت‌های آمریکا به تأخیر افتاده، حلقه نخست همکاری‌های جدید می‌تواند باشد. حتی این امکان برای ایران وجود دارد تا پیوندهای خود، با کشور چین نیز مستحکم‌تر سازد و این کشور را نسبت به عواقب طرح‌های مشابهی آگاه سازد که می‌توانند اهدافی کوتاه مدت و بلند مدت / ظاهری و پنهانی داشته باشند.

توسعه قراردادهای نفتی و پیگیری خط لوله انتقال گاز به اروپا مسأله دیگری است که در فضای بی‌اعتمادی شکل گرفته میان روسیه و اروپا به خوبی می‌تواند پیگیری شود. موفقیت در این کار علاوه بر آنکه حجم سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران را می‌تواند

افزایش دهد، اروپایی‌ها را نیز در کالایی استراتژیک به ایران وابسته می‌کند و این امر می‌تواند بر آینده روابط ایران - اروپا و کاهش مخالفت آنها با برنامه‌های هسته‌ای ایران موثر باشد.

اما به همان میزان که بحران فعلی در روابط روسیه و آمریکا، ایران و سرنوشت پرونده هسته‌ای آن را تحت تاثیر قرار می‌دهد سایر بحران‌ها را نیز متأثر می‌سازد. بیش از هر جای دیگر این تاثیر در خاورمیانه و به واسطه اوج گرفتن رقابت تسلیحاتی میان کشورهای منطقه احساس می‌شود. در محیطی همچون خاورمیانه و آسیا که هنوز مسأله امنیت و مرزهای جغرافیایی برای کشورهای آن حل نشده است، آغاز برنامه‌های نظامی جدید تأثیر دومینویی بر سایر کشورها خواهد گذاشت. به عنوان مثال با شروع فعالیت‌های نظامی روسیه، چین برنامه‌های خود را در فضا سرعت بیشتری خواهد بخشید. این برنامه‌ها خود می‌تواند تحریک‌کننده هند و به تبع آن پاکستان و اسرائیل شود. (Analysis of the National Missile Defense System, November 16, 2006.)

(<http://www.echeat.com/essay.php?t=31810>)

جهان بیش از آنکه در مقطع فعلی نیازمند جنگی جدید و هزینه‌های سرسام‌آور نظامی باشد، محتاج صلح و آرامش و کمک به توسعه پایدار در کشورهای ضعیف است. خطرات بسیاری در جهان وجود دارد که مشارکت کشورها مخصوصاً قدرت‌های بزرگ را می‌طلبد. تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی، منازعات قومی و مذهبی، آلودگی هوا، مهاجرت، بیماری‌های مسری، گرم شدن کره زمین و ... بخشی از این خطرات و مشکلات هستند، لذا اختلاف دو قدرت بزرگ جهان - روسیه و آمریکا - پیش از آنکه به عنوان مشکلی جدید به این لیست افزوده گردد می‌بایست با مذاکره مداوم و راه‌حل‌های دیپلماتیک، به جای استفاده از زبان خشونت رفع شود. نقش سایر دولت‌ها در این مورد، به ویژه کشورهای آلمان، فرانسه، انگلیس، ژاپن و چین می‌تواند بسیار موثر باشد. هرچند اجلاس گروه هشت فرصت مناسبی برای این کشورها فراهم ساخت تا گرد هم آیند و به چاره‌اندیشی در این زمینه بپردازند، اما هنوز راه حل پیشنهادی ولادیمیر پوتین مبنی بر انتقال محل نصب سامانه دفاع موشکی از لهستان و جمهوری چک به عراق یا ترکیه یا استفاده از پایگاه رادار قبله روسیه در آذربایجان نتوانسته است نظر مقامات آمریکا را جلب کند.

نتیجه گیری

موضوع استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در دو کشور لهستان و جمهوری چک یک بار دیگر دو ابرقدرت سابق را در مواجهه با هم قرار داده است. هرچند سخن گفتن از شروع جنگ سرد به دلیل فراهم نبودن کلیه مختصات و مولفه های آن دشوار است؛ اما با ورود به قرن بیست و یکم دو کشور روسیه و آمریکا در حال تجربه جهان جدیدی هستند. جهانی که در آن ایالات متحده می کوشد با پیگیری الگوی رئالیسم تهاجمی هرچه بیشتر بر قدرتش بیفزاید و خود را به سطح هژمون جهانی ارتقاء دهد و در مقابل روسیه نیز با درک این خطر و عمل طبق نظریه رئالیسم تدافعی می کوشد دست به موازنه قدرت زده از برهم خوردن موازنه استراتژیک در منطقه و جهان به ضرر خود جلوگیری کند. بدین ترتیب و بر اساس آنچه که گفته شد، می توان اینگونه نتیجه گیری کرد که:

۱- استقرار سیستم دفاع موشکی آمریکا تهدیدی علیه ایران نیز محسوب می شود؛ اما هدف اصلی آن کنترل روسیه و برهم زدن موازنه استراتژیک نظامی به زیان روسیه است؛ زیرا نه تنها اروپا را از تیررس موشک های روسی دور سازد، بلکه این کشور را در معرض شناسایی راداری نیز قرار دهد. این رفتار آمریکا می تواند خطر کاهش به کارگیری سلاح های هسته ای را از سوی روسیه به همراه داشته باشد.

۲- با استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در لهستان و جمهوری چک روسیه عملاً یگانه ابزار استراتژیک خود را در چانه زنی با غرب از دست می دهد و دیگر قادر به باج خواهی و تهدید منافع غرب نخواهد بود. این امر می تواند زمینه نزول این کشور را از قدرتی بزرگ به جایگاه قدرتی متوسط فراهم آورد.

۳- هر دو جنگ سرد گذشته در مماشات غرب با افزایش اقتدار و نفوذ شوروی ریشه داشتند، اما در شرایط کنونی که ایدئولوژی در ملاحظات سیاست خارجی دولت ها جایگاهی ندارد و مناسبات قدرت ها تنها براساس الگوی «صلح دموکراتیک» تنظیم می

گردد، دیگر نیازی به مماشات از سوی آمریکا وجود ندارد، پس به نظر می‌رسد تنش در مناسبات این دو ابرقدرت دوران جنگ سرد، ادامه یابد.

۴- سیاست روسیه در برابر غرب در سال‌های گذشته مبتنی برالگوی رفتاری «مقاومت و مشارکت» بوده است، بنابراین کشور به واسطه آنکه به دنبال حفظ موقعیت و قدرت خود در معادلات جهانی است حاضر نیست وارد رقابت تسلیحاتی به ضرر تحلیل رفتن قدرت اقتصادی خود شود. بنابراین در گام نخست می‌کوشد تا با مقاومت در برابر آمریکا باج خواهی کند و در نهایت از آنجا که خود نیز منفعی مشترک با غرب در تضعیف ایران دارد به همراهی و مشارکت با آمریکا روی خواهد آورد.

۵- اجرای طرح سپر دفاع موشکی در لهستان و چک نه تنها می‌تواند به تثبیت هژمونی آمریکا، تهیه اعتبار مالی طرح سپر دفاع موشکی، تضعیف روسیه، جلوگیری از نزدیک شدن روسیه به اروپا، دفاع از ایالات متحده و متحدینش در برابر خطرات احتمالی یاری رساند، بلکه منجر به تقویت جایگاه اروپای جدید در برابر اروپای قدیم و افزایش نقش سیاسی آنها نیز خواهد شد.

۶- موافقت لهستان و جمهوری چک با استقرار سامانه دفاع موشکی آمریکا در خاک کشورشان، اروپا را تا حدی در برابر تهدیدات موشکی روسیه یا آنچه آمریکا «دولت‌های سرکش» تلقی می‌کند محافظت می‌کند؛ اما این اقدام زمینه نظامی شدن خاک اروپا از یک طرف و ایجاد شکاف در اتحادیه اروپا و کاهش انسجام و یکپارچگی آن را از سوی دیگر نیز فراهم می‌سازد.

۷- بحران جاری در روابط روسیه و آمریکا در عین حال که فرصت خوبی برای ایران جهت جلب مشارکت اروپا در سرمایه‌گذاری در بخش‌های نفتی خود، ایجاد شکاف در اجماع جهانی علیه ایران و نزدیکی بیشتر به روسیه فراهم می‌سازد، می‌تواند یک بار دیگر

ایران را وجه المصلحه آمریکا و روسیه قرار دهد (آمریکا می تواند در ازاء تعویق عملیاتی کردن سپر دفاع موشکی خود همکاری بیشتر روسیه را در افزایش تحریم ها علیه ایران خواستار شود) لذا می طلبد که دستگاه سیاست خارجی ایران با هوشیاری بیشتری عمل نماید.

فهرست منابع

- فارسی:

- اتوتایل ژناروید و دیگران. (۱۳۸۰). *اندیشه های ژئوپلیتیک در قرن بیستم*، ترجمه محمدرضا حافظنیا و هاشم نصیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- بلیس، جان، استیواسمیت، (۱۳۸۳). *جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین*، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی، جلد اول، تهران: ابرار معاصر تهران.
- ثقفی عامری، ناصر، (۱۳۶۵). *ابتکار دفاع استراتژیک یا جنگ ستارگان*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- دهشیار، حسین، (۱۳۸۱). ۱۱ سپتامبر، ساختار نظام بین الملل و هژمون آمریکا، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ۵، ش ۳ و ۴.
- حافظنیا، محمدرضا، (۱۳۸۵). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
- چالمرز جانسون، (۱۳۸۴). *مصائب امپراتوری: امپریالیسم نظامی آمریکا در قرن ۲۱*، تهران: ابرار معاصر تهران.
- کوزه گر کالجی، ولی، (۱۳۸۶). «موازنه شکننده»، *همشهری دیپلماتیک*، سال ۲. ش ۱۳، اردیبهشت.
- متقی، ابراهیم، (۱۳۷۶). *تحولات سیاست خارجی آمریکا: مداخله گرایی و گسترش* ۱۹۹۷-۱۹۴۵، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۴). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: سمت، ۱.
- موسوی، سید رسول، (۱۳۸۶). «*رقابت تسلیحاتی*» همشهری دیپلماتیک، سال دوم، ش ۱۳.
- نقیب‌زاده، احمد، (۱۳۷۸). *تحولات روابط بین‌الملل: از کنگره وین تا امروز*، تهران: قومس.

- انگلیسی:

- "Analysis of the National Missile Defense System", November 16, 2006.
(<http://www.echeat.com/essay.php?t=31810>)
- Begg, Clair, "*Russia Wars Czech Republic, Poland on Missile Defense*" RFE/RL, February 20, 2007. (<http://www.rferl.org/features-article/2007/02/3>)
- "Czech Republic, US Start talks on Missile Defense", May 10, 2007
<http://www.en.iran.ru/world/2007/05/02/64741957.html>
- Cited By: Pavel Podvig, "Missile Defense: The Russian Reaction", February 26, 2007 (<http://www.thebulletin.org/columns/pavel-podvig/2007/02/26.html>)
- Costa, Daniell, "*The End of Cold War: Defensive or Offensive Realism?*", Tufts University, America foreign Policy, December 4, 1998, (<http://www.Indfliks.Com/daniell/papers/html>)
- Czech Premier: "US Missile Defense Plan Necessary", Associated Press,
- (<http://www.jpost.com/servlet/satellite?cid=11787086.show>)
- Czech Republic U.S Start talks on Missile Defense may 10", Op.Cit-

- Harris, Emily, "*Europeans Cool to U.S Missile Defense Plan*",
(<http://www.npr.org/templates/story/php>)
- Hwang, Jihavan, "*Opportunity: The Soviet Union and North Korea in Comparative World Affairs*, summer 2005, (<http://www.findarticles.com/p/articles/mi-m2393>)
- Kern, Soren," Why Russia Fears Transatlantic Missile Defense", GEES, March 28,2007.(<http://www.eng.gees.org/english.pdf.187>)
- J.mearsheimer, John ,"*The Tragedy of Great Power Politics* (New York: w.w. North & Company, 2001)(<http://www.une.edu/derts/diplomat/archives-roll/2007-5-10/Book>)
- J.Korb Lawrence and Alexandr L.Tiersky ,"*The End of Unilateralism? Arms Control after September 11*", Council on Foreign Relations October 1 ,2001.
(<http://www.cfr.org/publication/40856/end-of-unilateralism-aerms-control-after-september-11.html>)
- Jim Wolf , "US Missile Shield wont Work: Scientist Group"., Reuters 04/0513-02-
.html
- J.Hunt,Natohan,"Target threat Missile Fails in Test of Ground Based Interceptor Shield Report, May 25, 2007(<http://www.interceptorshield.com>)
- "- Putin Meets Czech Leader Compares u.s Missile Defense to pershing",
(<http://www.mosnews.com/news/2007/04/27.htm1>)
- Putin, Pudvig, "*The U.S and Russia's "Ludicrous" Missile Defense Rhetoric*,
May 23,2007. (<http://www.thebulletin.org/columns/pavel-podvig/2007/05/24/html>)

- Poland Willing to Host Interceptor Missile Race

(<http://www.doctorbulldog.wordpress.com/2007/04/25>)

- Rice Defends European Interceptors Plan, April 12,2007,Op.Cit

–"Rice Defends European Interceptors Plan", April 12,2007,

(<http://www.missilethreat.com./2007/05/13.html>)

- Russian General Warns USA Developing Antimissile System in Europe RIA_

Novesti, (<http://www.cdi.org/russia/johnson/2006-280-34.cfm>)

"Russian Missile Defense System Test Successful", News Max Wires,

Nov.29,2004(<http://www.newsmax.com/archives/articles/2004/11/29.html>)

"- U.S Missile Defense: Cooperation with NATO and Russia", Bureau of European and European and Eurasian Affairs", April 16, 2007.06.17

(<http://www.state.gov/p/eur/rls/fs/83123.htm>)

"- U.S to Ignore Russia Missile Fears. "(<http://www.flametree.blog.city.com/ us-to-ignore-russia-missile-fears.html>)

"U.s and Missile defense" RIA _ Novest, ,May 6,2007 –

(<http://www.cdi.org /Russia/johnson/2007/05/06>)

- "Us Says Russia can not Veto Missile Defense" Reuters, May 15,2007.

(<http://www.today.reuters.com /news/article/news-asp>)

–"Us Missile Defense: Cooperation with NATO and Russia", Op.Cit–

– "Us Senators Back Missile Defense Plan",(<http://www.examiner.com/a-754142-us-senators-back-missile-defense-plane.html>)

- "U.s and Missile defense" RIA _ Novest, May 6,2007

(<http://www.cdi.org/Russia/johnson/2007/05/06>)

- "Us Aborts Aegis Test", December 8,2006

(<http://www.missilethreat.com.archives/id.4132/detailes/2007/05/13.html>)

- Why Missile Defense Wont Work: A Technical Analysis",

(<http://www.area51zone.com/abm/index.shtm1>)

- Wirbeld Loring, Star Wars , v.s Tools of Space Supremacy (London Sterling, Virginia, Pluto Press; 2004), PP.9-30